

دوره نهم تقيديه

جلسه ۱۱

صورت مشروح

# مذاکرات مجلس

( بدون مذاکرات قبل از دستور )

۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۱۲ - ۱۴ عرم ۱۳۵۲

شماره مسلسل: ۵۵۵

قیمت اشتراك { سالانه } ۱۰۰ ریال  
داخليه ۱۰۰ ریال  
نك شماره: يك تریال  
خارجيه ۱۲۰ ریال

مطبعة مجلس

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه نوزدهم اردیبهشت ماه ۱۳۱۲ (۱۴ محرم ۱۳۵۲)

## فهرست مذاکرات

- ۱) تصویب صورت مجلس  
 ۲) شور و تصویب لایحه اصلاح قانون انحصار تجارت خارجی  
 ۳) مذاکره راجع به تبدیل مواقع انعقاد جلسات  
 ۴) موقع جلسه بعد - ختم جلسه

(مجلس ساعت شش بعد از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید)

صورت مجلس صبح روز نوزدهم اردیبهشت ماه را آقای مؤید احمدی (نشی) قرائت نمودند

### ۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ (خیر) صورت مجلس تصویب شد.

### ۲ - شور و تصویب لایحه اصلاح قانون انحصار تجارت خارجی

رئیس - لایحه پیشنهادی آقای رئیس کل تجارت مطرح است

ساحت محترم مجلس شورای ملی

نظر باینکه تجربیات حاصله از اجرای قانون انحصار تجارت خارجی مصوب ۱۹ تیر ۱۳۱۱ و تغییراتی که در وضعیت اسعار خارجی حاصل شده است ایجاب مینماید که در قانون مزبور اصلاحاتی بعمل آید اینک مواد ذیل

را پیشنهاد و تصویب آنرا تقاضا مینماید:

ماده اول - هیئت دولت مجاز است در هر موقع که مقتضی بداند اجرای تمام یا قسمتی از مقررات قانون انحصار تجارت خارجی مصوب ۱۹ تیرماه ۱۳۱۱ را که مربوط باسعار خارجی است برای هر مدتی که صلاح باشد تعلق نموده و با مقررات دیگری راجع باسعار خارجی وضع نماید.

ماده دوم - اشخاصیکه در انجام تعهدات صدور یا تعهدات فروش اسعار خارجی مربوط به قبل از ۱۹ تیر ۱۳۱۱ تاخیر کرده اند از تعقیب جزائی معافند.

ماده سوم - اداره کل تجارت مجاز است با تصویب هیئت دولت:

این مذاکرات مشروح بازدهمین جلسه از دوره نهم تقنینیه (مطابق قانون ۸ اردیبهشت ۱۳۰۵)

دائرة تدوین و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین که ضمن صورت مجلس خوانده شده

غائبین بی اجازه - آقایان: حیدری - دکتر ابراهیم - مرضی قلیخان بیات - طباطبائی وکیلی - استعدیاری - مهدی زینی - حبیبی - طباطبائی بروجرودی - موثر - قوام - ناصری - فراگوزلو - کفتمی - سکوند  
 دیرآمدگان بی اجازه - آقایان: حاج میرزا حبیب الله امین - احتشام زاده - پرنس آقا وهازاده - آقا رضا مهدوی  
 مسعودی غراسانی



اولاً - جوازهای ورودی را که در ظرف مدت جواز بلنی که از حیث اختیار صاحب جواز خارج بوده است تا این تاریخ مورد استفاده واقع نشده باشد تمدید دهد مشروط بر اینکه مجموع مدت جواز از یکسال تجاوز نماید.

ثانیاً - در مقابل تصدیق صدور انواع خاصی از محصولات و مصنوعات ایران برای اجناسیکه در کشوران - الباقی منظور نشده و در داخله مملکت هم بمقدار کافی تهیه نمی شود جواز ورود بدهد مشروط بر اینکه اجناس مزبور تحت نظر اداره کل تجارت وارد شده و در حدود مقررات قانون جلوگیری از قاچاق اجناس ممنوع الورد فقط در مرکز فروش دولتی بحدود خرید فروشی فروخته شود.

ماده چهارم - صاحبان اجناسیکه در سهمیه سالانه ۱۳۱۱ منظور نیوده ولی در مقابل تصدیق صدور غانه جواز ورود آن داده شده باقیلا وارد مملکت گردیده است باید اجناس مزبور را که صورت آن از طرف اداره کل تجارت اعلان خواهد شد در ظرف یکماه پس از اعلان در هر محل بمراکز فروش دولتی تحویل نمایند تا مطابق مقررات مربوطه با اجناس ممنوع الورد بفروش برسد مقررات قانون جلوگیری از قاچاق اجناس ممنوع الورد شامل اینگونه اجناس نیز خواهد بود.

رئیس - فوریت مطرح است.

روحی - مخالفی نیست.

رئیس - آقای رهنما.

رهنما - معمولاً لوابیحی که بمجلس می آید مطابق تذکری که یکی از آقایان نمایندگان دادند باید دلائل مقدماتی لایحه در لایحه ذکر شده باشد. وقتی که ذکر میشود دلائل برای این است که فکر نمایندگان منوجه می شود باصل موضوع. قانون اسعار جاری یعنی قانونی که آقای یاسینی آورده اند شاید یکی از قوانینی است که بعد از اینکه توضیحی بدهند بنده هم موافق بشوم ولی راجع بفوریتش ماهیچ چیز فهمیدیم. بنده خواستم که دلائل فوریت را آقای یاسینی بیان کنند که نمایندگان محترم هم مسبق بشوند من هم مسبق بشوم

تا اینکه بتوانیم رأی بدهیم.

رئیس کل تجارت (آقای یاسینی) - عرض کنم خود آقای رهنما مسبقند که وضعیت اسعار خارجی در دنیا در بورس های مختلفه بقدری مختلف است که هیچکس و هیچ دولتی نمیتواند بصورت يك تصمیم قطعی قاضا از قوه مقته بکند که يك موضوعی بتالب يك قانونی ریخته شود. عراقی - آقای رئیس تجارت - صدای شما شنیده نمی شود!

رئیس کل تجارت (بشت کرسی تعلق) - عرض کنم تزلزل اوضاع اسعاری در بازارهای دنیا بطوریکه خاطر نمایندگان محترم مسبق است طوری است که دولت نمیتواند بطور قطع يك تصمیمی اتخاذ بکند و بصورت يك موادی که افلا برای مدت یکماه دوماه آن مواد بعد از تصویب مجلس شورای ملی مجرا و مستمر باشد. نمیتواند يك همچو لایحه تصویب کند زیرا هرروز مطابق اخباری که از بازارهای مختلف دنیا میرسد اسعار در تزلزل است و در بورسهای مختلفه يك حکمی دارد و هیچوقت در این سنوات اخیر تاریخ نشان نمیده که در وضعیت بورسها و اسعار خارجی این نوع تزلزل پیداشده باشد. من باب مثال عرض میکنم حکومت قیمت تیره و طلا را با بورس لندن و نیورک بالاخره بايك (کاباسینه) باتاسی در نظر میگرفتند و میگفتند هر اونس قره مطابق چند پنس است در لندن. با چند سنت است در نیورک.

ولی همیشه تفاوت بوده است این نرخ در این ایام اخیر طوری شده است که این تناسب هم از دست رفته است یعنی قیمت قره در لندن تفاوت دارد با قیمت قره در نیورک. وضعیت تناسب دلار با قیمت قره تفاوت دارد با قیمت لبره یا با قره در صورتی که باوضع فعلی هر دو خیلی مؤسس يك اساس فلزی نیست تقریباً اسعار قیمتش همان است که با خودش است معذک با مقایسه که بالاخره می شود مقایسه های مختلفی بنسبته اینکه در بازار داخلی ایران همیشه عرضه و تقاضا هم مدخلت داشته و نمیشود موضوع عرضه و تقاضا را از نظر دور کرد و با دعوتیکه از طرف کفرانس اقتصادی دنیا در لندن از طرف دنیا شده است که دولت ایران هم نماینده اعزام بکند و حکومت ایران هم شرکت خواهد کرد و دعوت را قبول

اگرده است و در تاریخ نزدیکی که در دوازدهم ژوئن می باشد کفرانس تشکیل خواهد شد و ناگزیر نمایندگان که از دول مختلف در اینجا مجتمع می شوند يك تصمیماتی راجع باوضاع اقتصادی عمومی کونی و راجع باوضاع اسعاری مسکوکی و سایر مسائل مملکتی تصمیماتی خواهند گرفت. از حالا تا آن وقت هم يك فاصله خیلی زیادی نیست و اتفاقاً هم دوازدهم ژوئن تا ۲۲ ژوئن که اول سال اقتصادی ما است یعنی اول نیرماه است فاصله زیادی ندارد. مادراول سال اقتصادی مان ممکن است که يك قدری اوضاع روشن تر شود يك قدری قضایا بر ما مکشوف تر شود و بتوانیم تصمیماتی بگیریم که بعد بصورت يك لایحه تقدیم مجلس شود و بشکل قانون دربیاید و منطبق بشود با وضعیت فعلی در هر حال فعلاً بعد از مطالعاتی که باه صورت بانکها و يك عده از اعضاء اطاق تجارت از طرف دولت شده است خیلی مشکل است که بشود مطالبی را بصورت يك ماده قانونی در آورد و تقاضای تصویب آن بشود و اطمینان داشته باشیم که اگر در روز مجرا شد ندامت ندارد و ناچار نمی شویم که باقیم تقاضای تمدید بکنیم که این نتیجه را نداد، نظر بفلان حادثه، فلان اتفاق که در فلان بازار و دنیا افتاد که ما هم در تحت تأثیر آن واقع شده ایم باین جهت مقتضی دیده شد که از طرف مجلس شورای ملی اجازه داده شود بدولت که يك مقرراتی را بطور موقت حتی ممکن است روز مره با در ظرف هفته و هر ترتیبی که متناسب است اقداماتی بکند تا همان طور که عرض کردم وضعیت عمومی اسعار در بازارهای عمومی دنیا روشن تر بشود و شاید اینطوری که گفته می شود مظهره قره را برساند به پنجاه (سنت). آنوقت کار ما در آتیه خیلی آسان تر شود شاید مشکلاتی که در این اواخر داشتیم خیلی کمتر شود شاید هم ترسد بالاخره این گفته ها هنوز بصورت قطعی در نیامده است که خیلی اطمینان بخش باشد. اما اینکه آقای رهنما فرمودند که چه موجبی دارد که فوریت مسئله قاضا شده است؟ فوریت برای این است که از چندی باین طرف بعضی از اسعار شروع کرد بتزلزل و پائین آمدن و بعضی هم بحساب ما درست در نمی آید چرا که این تصدیقهای

صدوری که پیدا شده است در يك قسمتی انجام شده و در يك قسمتی نشده و آیا پشت سر این چه خواهد شد و شاید بقیه بعضی دلار برمیگردد بصورت اولی و شاید هم خیلی بهتر بشود. يك معاملات و داد و ستدهای تجار کرده اند با بانکها. یاداد و ستدهائی بانکها با تجار کرده اند با تجار و بانکها با دولت و اگر يك مرتبه قرضاً بخواهد دولت يکلی مقررات اسعار پاره و رها کند بکمرته البته تأثیری دارد در يك قسمت معاملات. ولی ممکن است در ظرف يك مدتی يك تغییرات و يك ترتیباتی داده شود که اثرهای آتی و زیادی نداشته باشد و اگر چنانکه خیر برعکس دولت بخواهد مقررات فعلی اسعار را بطوریکه هست بچسبد و تغییراتی درش ندهد آنهم يك چیزی است که خالی از (ویس) عیب نیست و ممکن است دچار يك خطراتی بشود. باین دلائل دولت مصلحت دید که هرچه زودتر از مجلس قاضا کند و اختیار بگیرد که بتدریج در طی عمل يك رویه اتخاذ بکند که حتی المقدور از ضرر و زیان جلوگیری شده باشد باین جهت تقاضای فوریت شده است.

رئیس - آقای روحی.

روحی - بنده در اصل کلیات اجازه امیر محفوظ میدارم.

رئیس - آقای کلزرونی.

کلزرونی - عرض کنم بقیه بنده بسیاری از فرمایشات آقای رئیس تجارت دلیل بود بر عدم فوریت. بواسطه اینکه اظهار کردند که ما يك تصمیم قطعی نمیتوانیم اتخاذ بکنیم ولی میخواهیم بتدریج و کم کم به تقاضای اوضاع دنیا روز مره يك تصمیمات جدیدی بگیریم و شروع کنیم. وقتی شما نمیدانید که تکلیف امروزتان نسبت با امروز و امروزتان نسبت به فردا و فردا نسبت به پس فردا چیست و وضعیت فعلی را ایضا کنید یا نکند این همان حال عادی را میدانی کنید (خنده نمایندگان) و حال عادی منبایش همین است بنابراین بنده فهمیدم. فوریت بایستی در مواردی باشد که ناگزیر اگر الآن الساعه رأی ندادیم امشب مثلاً يك طوفان شدید قطعی بیاید و يك خسارت فوق العاده وارد بیاورد. يك خطری خیلی نزدیک باشد. محسوس و مشهود باشد که اگر



فوریت رای ندهیم این خطر را احاطه میکند. همچو چیزی که نیست. يك امری است مابین شما و مردم. شما کارکن ایران و مردم این ایران و امروز فردا و فردا به پس فردا از قبیل این جیب است و آن جیب هیچ فرقی ندارد. شما اگر این قانون را به کمیسیون مربوطه ارجاع کنید و يك قدری بیشتر حرف بزنید به عقیده بنده مثل قانونی که وضع شد و بسیاری از موادش با کمال عجله گذشت و مجال اظهار عقیده به کسی داده نشد و خودتان دچار مشکلات شدید نمی شود. البته اقرار نمیکنید اما تنها که شدید اقرار خواهید کرد که بواسطه عجله و شتابی که در وضع این قانون کردیم پیش از همه خود شما دچار شدید ولی باید این را مد نظر بگیرید این یکی از خطراتش این است که الآن شما يك مشت اسامیرا بقیتهای گران از بجا گرفته اید و الآن متحیرید که چه کارش بکنید میخواهید فکر کنید که چطور و بچه وسیله بهمان قیمت مصرفش کنید. بنابراین بنده هیچ دلیلی در نوریتش ندیدم. با اصل لایحه کاملاً موافقم زیرا بسیاری از موادش مفید است اما بهتر این است که به کمیسیون مربوطه اش مراجعه کنید ماهم يك ناحقی بین ما نیست يك کسانی که غیر ما هم باشند سراغ نداریم. اگر منتشر شود که يك همچو لایحه آمده است و دولت اختیار میخواهد چه اثری در بازار در جامعه دارد. بلکه بیشتر مطالعه و دقتی کنیم و قانونی آید به مجلس و بعد از دقت تصویب می شود.

**رئیس کل تجارت** - اگر مقصود آقای کازرونی این است که بنده عرض بکنم که بعد از اینکه این قانون تصویب شد دولت چه خواهد کرد که عرض نمیکنم فقط اگر آقایان بدولت اعتماد دارند ما این اجازه را میخواهیم و فردا تصمیم میگیریم حتی اگر امروز صبح گذشته بود امروز عصر دولت تصمیم بگیرد که چه رویه اتخاذ کنند از سه صورت ماده خارج نیست یا این است که دولت تصمیم بگیرد که مقررات اسماری را بکلی مافوق کند و آزاد شود (کازرونی - پس قانون تجارت چیست؟) خوب این نظر فاجر است و ممکن است يك قسمت هائی محفوظ بماند يك قسمت هائی تعلیق شود با اینکه تمامش

تعلیق شود و يك صورت جدیدی وضع شود البته هر چه مصلحت بود و دولت تشخیص داد عمل میکند و تصور میکنم که بعد از تصویب این قانون در ظرف فردا از طرف دولت ابلاغ شود البته عجله و اینها و فکرات تقاضای فوریت برای این است که زود تر اجرا شود و اگر اجباری نبود و موجبی نداشت که تقاضای فوریت بکنیم اشکالی نداشت و يك لایحه بود که باید بوضعیت عادی بیاید به مجلس ولی این غیر از اینهاست من باب مثال عرض میکنم که اگر این لایحه بقید دو فوریت نبود و بصورت عادی تقدیم مجلس میشد در شور هم میشد و میرفت بکمیسیون فرض کنیم اگر عمل دو هفته طول میکشید ولی در اول میگفتیم میخواهیم آزاد بگذاریم ممکن بود خیلی جریانها اتفاق بیفتند و این را آنطوری که دولت پیشنهاد کرده بود برای تمدن یعنی عدم شورت کنند و بگویند ۱۵ روز که دولت باین صورت تقدیم مجلس کرد مثلاً اشکالاتی بود و حالا نیست ولی روی اینکه دولت لایحه تقدیم مجلس کرده است يك معاملات می کنند. معاملات آنی که باعث این شده است که طرز کار خوب بوده. ولی اگر دفعه و آلا شد در هر حال تأثیرات خیلی مهمی ندارد و هر چه هست مربوط به گذشته است نه مربوط به جریان مذاکرات

**رئیس - آقای ملک مدنی**

**ملک مدنی - موافقم.**

**جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است**

**رئیس - آقایانیکه با فوریت لایحه موافقت دارند قیام فرمایند.**

(اکثر قیام نمودند)

**رئیس - تصویب شد - فوریت ثانی مطرح است مخالفتی نیست! آقایانیکه با فوریت ثانی موافقت قیام فرمایند (اغلب برخاستند)**

**رئیس - تصویب شد. مذاکره در کلیات است. آقای روحی:**

**روحی - بنده موقع را میخواهم مفقود بشمارم و از آقای بسائی رئیس کل تجارت يك اطلاعاتی را برای خودم و يك قسمت از رفقایم استدعا میکنم. مدت زیادی از این طریق که دولت اتخاذ کرده است (یعنی قانون انحصار تجارت) میگذرد و در این مدت میخواهیم بدانیم آن نتایج حتمی نماند که دولت از این قانون گرفته است چه از نظر اقتصاد چه از نظر حمایت مصنوعات داخلی و چه از نظر فابده که بجهت مملکت رسیده است. مشروحاً بیان کنند که بنده مطلع شوم که این قانون تا حالا چه اندازه و تا چه حد جلوگیری از زیانهای متصوره کرده است حالا دست يك دسته از تجار و کسبه را از کسب باز داشته است البته هیچ اهمیت برای مملکت ندارد اگر در مقابل يك منافع عمده منوجه مملکت شده است میخواهیم بدانیم تا چه اندازه توانسته است حمایت بکند از صنایع داخلی و تا چه حد توانسته است در مورد صادرات ما در خارج مساعدت کند این را چون بنده نمیدانم و برای بنده مجهول است مایل دارم (نه بطور کلیات که اگر اینطور نمیکردیم اینطور میشد) آنچه خودشان بدست آورده اند در عمل و واقعاً محسوس است اینجا بیان فرمایند. عرض دوم بنده راجع با اسمار است بنده همیشه مخالف بودم که دولت اسمار را بدست آورد عقیده داشتیم که اسمار آزاد باشد که حالا که تجارت محدود است لااقل با اسمار خارجی دست داشته باشند و بتوانند واقعاً برای پیشرفت کارهای خودشان اقداماتی بکنند یعنی اسماری بدست بیاورند و اخیراً هم شنیده ام دولت اختیارات زیادی پیدا کرده است برای ترقی اسمار و در این بالا و پائین رفتن هم حق دارد بجهت اینکه دولت پیش یابش را نمی بیند هیچوقت نمیداند وضعیت فرانک یا دلار تا فردا یا پس فردا چه میشود وضعیت بوند تا پنج روز دیگر چه صورتی پیدا میکند و این مسئله گمان میکنم همیشه ضرر دولت تمام میشود و يك دستهایی را هم میدهد از اینکه بتوانند آنها کسب دلار کنند بنده تصور میکنم بهتر این است که این را آزاد بگذارید یکی دو ماه این مسئله را امتحان کردید این را هم امتحان کنید به بیند اساساً چه ضرری**

دارد و آزادی اسمار بهتر است برای وضعیت تجارت و کسب و کار مملکت یا محدود بودن آن. يك چیز دیگری که برای بنده مجهول است و نمیدانم این است که خواستیم سؤال کنیم از آقای بسائی که پول ما يك پولی است که جز در داخله مملکت خودمان جای دیگر رواج ندارد در بورس بین المللی نمی تواند يك عنوان خاصی داشته باشد پول ما ریال است بنده خیال میکنم وقتی اسمار تجارت را آوردیم آزاد گذاریم آن فاجری که جنس از خارج میآورد در مقابل چه میدهد؟ پول که نمیتواند بدهد بالاخره مجبور است جنس از مملکت ما صادر کند از سر حد هم که گذشت هیچ قیمت و اعتباری ندارد جز اینکه در دست خود ما باشد منتهی میگویند میخواهیم حمایت از مصنوعات داخلی کنیم بسیار خوب وقتی در مملکت زیاد شد ممکن است يك کار دیگری کرد و آن این است که در گمرک جلوگیری را بست یعنی اینکه مالیات بهش بست که کم شود، کفش خوب عمل آوردند همین کار را میکنیم، این جنس خارجی که می آید چه در مقابلش می رود؟ (کازرونی - جز جنس هیچ) خوب پس این چه اشکالی دارد. از این اسمار چه نتیجه گرفته اند؟! ما هم همه موافقم و اگر عرایض میکنیم من باب همکاری با دولت است مابدولت حاضر همه افرادمان اعتماد داریم و واقعاً همه مان میخواهیم که موافق شود و پیشرفت کند ولی اگر گاهی يك نظریاتی برای ما می آید برای راهنمایی و برای مشکل گشائی است که میخواهیم تذکر بدهیم که دولت متوجه شود یا برای يك نظریاتی است در خارج که برای ما مجهول است و میل داریم توضیح بدهند. بنده میبینم که هر قدر جنس وارد کنند پول که نمیتواند بدهند باید جنس در مقابلش بفرستند خوب بنده، قلی، خشکه بار بزد این چه عیب دارد. آمدیم میخواهیم حمایت کنید از مصنوعات داخلی مملکت، وقتی که کارخانه های ما قدری پیشرفت کرده مصنوعات داخلی ما بهر قدر که کافی شد آن اندازه بهش گمرک ببندند تا دیگر وارد نشود این بود که میل دارم از حدود کلیات خارج بشوم و



بطور محسوس يك بیابانی بفرمایند که بنده بفهمم تا بنوالم رأی بدهم

**رئیس کل تجارت** - عرض میشود فرمودند که بنده منافع قانون انحصار تجارت خارجی را بمرض آقایان برسانم بنده در این موضوع خیلی بطور مشروح نمیتوانم عرض بکنم ولی بطور کلی و اجمال عرض میکنم خدمتتات قانون انحصار تجارت خارجی يك فایده اش تعدیل صادرات و واردات بود بکلی هم حمایت از صنوعات داخلی. در این دوره مطلب تصور میکنم هیچکدام از آقایان مناقشه داشته باشند. موضوع صنوعات داخلی و این که مورد حمایت واقع شود مورد ابراد و اشکال احدی نیست و در اینکه با بحران عمومی دنیا اجتناب در بازارهای مختلفه خیلی ارزان است البته اشکالی نیست. تمام دنیا باندازه کارهایشان باندازه استعدادشان مال التجاره پشت دروازه های ما ریخته اند و این دخول میخواهند. تاجر هم برای صد دینار سه شاهی منقوت اصرار داد که آنها بیابند دیگر کارخانهای شما بیکار است. اگر آمد اگر کارخانه دارید دیگر آهن پاره است اگر شما قندی که کارخانه اش را دارید بخواهید اجازه بدهید وارد شود دیگر آنوقت شما از آن قند استفاده نمیبرید. اگر چای که بقیه نازی وارد مملکت میشود اگر جلویش را خیلی آزاد گذارید دیگر کسی فلاح چای را متصدی نمیشود و فلاح آن نوسه نمیدهد برای اینکه آن ارزانی تمام میشود. بحران تجارت دنیا را اگر در نظر بگیرید اغلب اجناس ورودی در بازارهای مختلفه خیلی ارزان تر تمام میشود. الان نخ فرشاً برای همان قالی باقی در کرمان خودتون که از خارج میآید خیلی ارزانی است از نخي که در داخله تهیه میشود از قعله نظر ظاهر ولی از قعله نظر معنی اینطور نیست برای اینکه شما باید پنبه را صادر کنید بزرگت و بحسارت و ضرر تاجر هم ضرر نمیکند ضرر متوجه او نمی شود ضرر بزراع و مالک وارد میشود بقیه های بخش فروخته میشود بکمن ده تومان يك تومانش ده

آذربایجان و بعد معلوم شد که ایرانی ساخته است. الان شما تشریف ببرید همان مقارنه پچلا اول لاله زار يك قدری وقت بفرمائید اغلب بنظرشان میرسد که اینها صنوعات فرنگی است در صورتیکه همه اش ایرانی است. بروید مقارنه دیات خیابان لاله زار خیال میکنید آن عروسک ها مال فرنگ است در حالتیکه تمام ایرانی است علت اینکه مردم بفکر افتاده اند و يك چیز هائی تهیه میکنند برای این است که مصونند از رقابت ها برای این است که متکی هستند بحمايت قانون انحصار تجارت خارجی والا همان روز اول نمیشود اقدام بکنند زیرا دنیای دیگر را باید اقرار کرد که مرغوب تر جنس تهیه میکنند و ارزان تر میفروشند چون ما فاقد آن وسایل صنعتی هستیم ما آن وسایل را نداریم ولی رویه رفته به رفیعی که تمام شود برای ما چون اجرت هایش در داخله مملکت پرداخته میشود و پولها بیکه داده میشود بخارجه میروند بالاخره تصدیق بفرمائید بصرفه کسب است. تخت خواب که فرشاً حالا در ایران ساخته میشود شاید آقای روحی وقتی ملاحظه بفرمایند تصدیق بکنند که خیلی پست تر از مال فرنگ نیست و اینها آنوقتی است که ما جلوی ورود تخت خواب را میگیریم اگر اجازه بدهیم که وارد شود دیگر ساخته نمیشود. فرمودند که خوب میآئیم جلوی تعرفه گمرکی را میگیریم و تعرفه گمرکی را زیاد میکنیم این چه فرق میکند هر وقت توانستیم میکنیم حالا از نقطه نظر مقدمه و نتیجه چه فرق میکند برای جنابعالی مقصود محدودیت است اگر از نظر اشکالیکه بود است ما اقتدیم بطرز دیگر که نتیجه همان شد که حضرت عالی میفرمائید که دیگر نباید مورد مناقشه شما واقع شود. البته هر وقت مقتضی شد تعرفه گمرکی را اضافه میکنیم و هر وقت مقتضی شد مقررات دیگری را در نظر میگیریم خلاصه اینکه نظر بمحدودیت و ممنوعیت است يك اجناسی را که ممکن است بدانش را در داخله مملکت تهیه کرد برای پیشرفت صنایع داخلی جلویش را میگیریم و البته يك چیز هائی هم هست که نمیشود محدودش کرد و مورد



طلاها و نقره‌هایی که بود چه در شهر و چه در دهات اینها همه جمع شد و بوسیله يك مفازه‌ها و بجنارخانه‌هایی از مملکت خارج شد. و داشت ته و توبش درمیآمد و بالاخره معلوم شد که وضعیت رو بخواست است و با اصطلاح پرداختها اینکه ممکن بود مملکت بکند بایک وجوهی آنجوه دیگر نیست و خطرناک است و بدی های تجار ما هم بخارجه زیاد شد که در این باب هم بنده نمیخواهم توضیحانی بدهم خلاصه اینکه اگر مستانه تعادل صادرات و واردات در مد نظر نیامده بود و اگر قانون انحصار تجارت خارجی نبود تصور میکنم که عکس العمل طبیعی جریان گذشته طوری بود که يك اختلال فوق العاده در امور اقتصادی مملکت پیدا میشد و يك بحرانی حاصل میشد برای اینکه مضماتش تهیه شده بود و بتر نرسیده جلوگیری شد و بازم ممکنست بنده در این باب بطور خصوصی باشخص جناب عالی يك مذاکرانی بکنم که اینجا نمیخواهم عرض کنم. اما راجع بقسمت اسعار که فرمودند. درین اینکه صحبت از معادله بود فرمودید که پول ما را در جای دیگر بر نمیگذارند اینطور نیست در بعضی از ممالک مجاور رایج است و بالاخره همین پول شما همین نقره و طلای شما هر صورتی که باشد شمش باشد مسکوک باشد دارای يك والری است بکفتمتی من باب مثال عرض میکنم الان مطابق اطلاعاتی که ما داریم قیمت پول ما در بغداد و بصره بیش از طهران است (توجه میکنید آقای روسی) قیمت ریال ما در بغداد و بصره بیش از طهران است چرا؟ برای برای اینکه اسعار قیمتش يك قدری فوق آن قیمت حقیقیش است و همین جهت صرف میکند به اینکه نقره مملکت را برساند اینجا و تبدیل کنند بیک اسعاری که این اسعار را در بازار طهران ریال بیشتری میبرد و این چیزهاییکه اخیراً شروع شده است نسبت بطلا هم همینطور شده است آزادی اسعار بر آنکه اشاره بفرمودند معادف میشود با ترقی فوق العاده اسعار بقیده بنده ولی بعضی از آقایان تجار این عقیده را ندارند اما بقیده بنده آزادی اسعار ملازمه دارد پس از بیست روز با منتهی ترقی فوق العاده اسعار ترقی

فوق العاده اسعار باعث این می شود که بقیه نقره و طلائی که در این مملکت است خارج شود و زندگی را سخت میکند و بالاخره عکس العملش در صادرات مملکت پیدا میشود و بنده طرفدار تزل اسعار بطور فوق العاده هم نیستم برای اینکه تأثیرش در صادرات است ولی يك حد معتدلی داشته باشد همینطور بیکه ما توافقییم در ظرف ده ماه وضعیت اسعار را بایک ترتیب مخصوص نگاهداریم بایک پائین و بالاهاى مختصری که متاسفانه حالا خیلی مشکل است يك رويۀ معتدلی اتخاذ کنیم که بآن رويه زندگی کنیم این هم بحال واردات مفید است و هم صادرات. بعضی معتقدند که خیر صادرات را بیشتر کنند و واردات هم می کران شود در صورتیکه يك قلم ورودیش همین اتومبیل و لاسیتک است که دائماً خراب میشود و همین کامیونتهائی که حل و نقل میکنند و پانچ هزار تومان باید تمام بکنند برای حل همان مال التجاره صدوری الان شاید دوازده هزار تومان سیزده هزار تومان باشد. این نتیجه ترقی فاحش اسعار است. ولی اگر يك حد متوسطی داشته باشد این اندازه تأثیر ندارد و همینطور خیلی چیزهای دیگری که نمیخواهم عرض کنم. خلاصه اینکه نظرهای مختلفی از طرف بانکها و تجار گفته شده است و حالا هم بنده خیل میل دارم که آقایان نمایندگان هر نظری دارند بفرمایند که بنده هم در هیئت دولت نظریۀ آقایان را توضیح بدهم که رویۀ که اتخاذ میکنند بانظریات آقایان باشد و چند فکر هست اصولاً ممکن است آقایان بطور مخالف و موافق فرمایشات خودشان را بفرمایند. اهمیت این قضیه در عصر حاضر زیاد است و جزء مسائل عادی نیست يك فکر این است که بکلی مقررات اسعار را لغو کنیم. این هم يك معایبی دارد بیک محاسنی دارد معایبش برای مضیقۀ واردات و سختی زندگی و اینها است و در اینکه اسعار ترقی میکند روی عرضه و تقاضا نه روی اساس نقره شبهه نیست برای اینکه تقاضا در این ممالک بیشتر از عرضه است برای اینکه اسعار این مملکت منحصرأ عبارت است از اسعار حاصله از صادرات و پس ولی تقاضا خیلی خیلی بیش از آن است خود دولت

يك نقره عمده خریدار است از خارجه دیگران هم هستند یا لاخره تجارت آبه هم هست مملکت است يك منت اسعار صادراتی وقتی که اسعار صادراتی خوب بود و احتیاج واردات خیلی زیاد بود تفاوت فاحش داشت قهراً تأثیر زیاد میکند در ترقی اسعار. اثرش این است که طلا و نقره خارج می شود (افشار - پس معادله تجارتمی ما نداریم) چرا معادله تجارتمی داریم آقا و این را بهتر هم میخواهیم بکنیم این مربوط به تجارت نیست آقا معادله تجارتمی داریم ولی يك چیزهای دیگری هم هست میخواهیم يك ماشین کوره پیکری راهم بخریم و یاوریم یا همین اسعار و یاوریم و راه پاندازیم که در آبه دوسال دیگر نتیجهش این شود که ما از اسعار خارجی منتفی گند يك قسمت همین اسعار را میخواهیم بدهم این ماشینها را بخریم دیگر اینکه در این دوسال شاید در حدود پانزده شانزده میلیون تومان توسط ماشین آلات خریده شده شانزده میلیون تومان توسط تجار و مؤسسات آزاد ماشین آلات برای این مملکت خریده شده است البته اینها اسعار میخورد و ما ناچار شدیم که برای ترویج و ترغیب اینها را معاف کنیم از گمرک که وارد بکنند در هر صورت آزادی اسعار ضرر و زیان دارد و بطور قطع این تریب فعلی هم يك مضراتی دارد برای دولت و برای بانکها زیر که وضعیت ایندور است حتی برای خود تجار در وجه رفقه بنده خیال نمیکنم محالاً در مملکت که خیلی زندگانی تجار زمان محدود است و اظهار نظر کردن راجع به مسائل اقتصادی خیلی کار آسانی نیست در ممالک دیگر هم که يك اشخاصی هستند و يك تصدیقاتی میکنند در حین انجم قطع نیستند که درست حد در حد آنچه میخواهند خواهد شد شاید حد پنجاه حد چهل خودشان نرسد دارند که آیا نتیجه میدهد یا نه عملیاتی که میکند برای تجربه است یکی از محضات آزادی اسعار که سابق بود آقایان تجار هم نظرشان هست (چون بعضی مسائل هست که در فصل و سزون خودش ترقی گفته می شود از خودش را میکند بد فراموش می شود) که در آن موقع چه بود وجه باعث شد که فلان اقدام شد بنده خوب

باید هست که تجار ما شکایت میکردند از تزل اسعار و شکایتهایشان هم درست بود و میگفتند که حقوق گمرکی از روی اسعار طلا بموجب قانون گرفته می شود بواسطه تزل و ترقی اسعار خارجی که دلال روی طلا است هیچ ناجری تکلیفش معلوم نیست که بنابر لائحه در اش چه حقوقی و چه گمرکی تعلق میگیرد و در حین صادرات دادن تکلیفش معلوم نیست و تقریباً حقوق گمرکی هم شده است مثل گمرک گمرک گمرک دائمی در تغییر و تبدیل است حقوق گمرکی هم در تغییر و تبدیل است و راست هم میگویند خود آقایان هم اسرار دارند که يك وضعیت ثابتی انحاشود که حقوق گمرکی هم بطور ثابت گرفته شود که این ضرر و تزل در تجارت باشد من که سفارش برای فلان جنس بدهم بدانم زحماً لا که حقوق گمرکیش چیست ولی اگر آزاد شد وضعیتی که جریان داشت و موجب تزل تجار بود و هم بدوات مراجعه میکردند برای اینکه در این باب تصدیق بکنند که از این وضعیت جلوگیری شود خلاصه اینکه بنده اگر میخواهم در اینگونه مسائل بایک عراض بکنم باعث تدبیر می شود و اغلب آقایان اعضای مجلس شورای ملی هم تجارند و در این مسائل خودشان گفت و شنید کردند و نظریات آقایان راهم بنده میدانم چیست آقایان دیگر هم اگر نظرشان می آید که مقررات اسعاری آزاد شود و این قید و بندها ازین بکلی برود بایک قسمتش باقی بماند میفرمایند وقتی نظریات مختلفه گفته شد و ادعایش هم ذکر شد ممکن است هر کدام مقتضی باشد و درش هم گذر باشد دولت بدو مع اجراء بگذارد

رئیس - آقای حاج امین

حاج میرزا حبیب الله امین - عرض کنم در موقعی که قانون انحصار تجارت در ایران وضع شد مکرر در کمیسیونها و کفرانها نسبت بهریک از موادی که الان مبتنی به عموم است محضات زیادی گفته شد و شاید نسبت به رجوع اش شخص آقای یاسائی پیش از امروز هم اظهار عقیده فرمودند ولی باین نتیجه معلوم شد که اغلب از آن مواد و نظامات و مصوبات مفید بحال تجارت ممالک بطور کلی نبوده است (صحیح است) قانون



انحصار تجارت يك اصل مسلمی روز اول داشت كه كدام يككم آن اصل را همه متفق باشیم و بلکه تمام اهالی مملکت ايمان به آن داشته باشند و آن عبارت از این است كه تا جنس از مملکت صادر نشود جنس به مملکت وارد نشود این يك اصل مسلمی است كه همه متقدم و بلکه شاید يكصدی دیر شده بود در این وقت كه این اصل را در نظر گرفتیم. اصل دومی كه يكصدی ضعیفتر است آن حمایت از مصنوعات داخلی است آن را هم البته همه متقدم تا جایی كه لغت به اساس و اصول تجارت وارد نکند بایستی حمایت از مصنوعات كرد ولی نه همینطور كه آقای یاسائی فرمودند برای چند دانه تخت خواب خشکبار من را خراب کنیم و آفت زحمت و فشار وارد کنیم بهنجاریكه میخواهند قالی یا خشکبار حمل بکنند كه نتیجه هفت عشت تخت خواب ارزش حاصل شود این درست نیست بایستی كه مصنوعات داخلی را بمناسبت اهمیت خودش ارزش حمایت كرد والا يك حمایت زیادی فایده ندارد و مقصود عرض بنده این است كه اگر چنانچه ما از روز اول این شاخ و برگی زیاد را برای قانون انحصار تجارت خارجی قائل نشده بودیم و مثلا گفته بودیم كه هر كس جنس از مملکت صادر بکند در كمر كات نه در طهران چون بالاخره از آن قاطی كه صادر میشود باید هم قسمت شود و در آنجا هم جواز بدهند چون بالاخره تمام تشریفات بایستی در آنجا بعمل باید كه صادر می شود و در آنجا جنس كه از مملکت صادر می شود البته مقومین صحیح آن را قیمت بکنند این یکی از شرایطش است كه مقومین صحیح آن جنس را قیمت بکنند و يك ورقه بایك تمبری بایك وضعی كه البته ورقه رسمی باشد بدهند بدست صادر كننده كه فلان آدم در فلان روز حالا با ذكر اسم یا ذكر جنس یا بدون ذكر جنس فلان مبلغ ريال از مملکت جنس صادر كرده این ورقه بدست هر كس باشد و از هر قطعه از مملکت و از هر سرحدی از مملکت بتواند هر جنس تجارتي را وارد كند معادل قیمت این جنس معادل قیمت این مال كه ینده بر روز صادر كردم این ورقه اش در دست من است خودم

ایشكه آزمایش هم بکنند) بعد قانونی بیآورند و هر جایی از این قانون كه عیب و علتی دارد آن را مجاز باشند كه رفع كنند و بالاخره يك قانونی هم كه متناسب با اوضاع و احوال تجارتي ما باشد و با تجربیاتی كه در دو سال اخیر كرده اند آنرا مقرر كنند و مردم را از این زحمت آزرده كنند و اگر مقصود این است كه از این اختیار يك كره و پیچی هم روی آن بزند خوب يك چیزهایی مردم بآن مأیوس شده اند خوب باید بالاخره مشغول بسوده اند حالا يك چیز های تازه هم بآن ضمیمه كنیم خوب بالاخره اینهم اختیار است قانون نیست ممكنست كه هر هفته يك مرتبه در جلسه از هیئت وزراء يك طرز وضعی پیش بیاید لهذا بنده بایسته است اختیار دادن راجع بمسئله اسعار كاملاً مخالفم زیرا وضعیت اسعار يك صورت بسیار بدی پیدا كرده هم در نظر مردم وهم در نظر بانكها و بالاخره همه در يك حالت بلا تكلیفی هستند و بالاخره اگر چنانچه معامتن شویم كه دولت در سایر قسمتهای قانون انحصار تجارت خارجی يك اصلاحاتی میخواهد بکند كه آن اصلاحات مفید بحال مملکت باشد بنده معتقدم كه در آن قسمت هم مجلس شورای ملی اختیار بدهد مخصوصاً بیرون هم به آقای یاسائی عرض كردم كه این اختیار را اگر میخواهید برای رفع اشكالات برای قسمت اسعار تنها نگیرید. آقایان در نظر دارند كه يك كنفرانسی در چندی قبل از طرف نمایندگان اطفاهی تجارت ولایات در اطاق تجارت و در اداره تجارت داده شد و چند روز هم طول كشید و البته آنچه از وضعیت ولایت خودشان میدانند چه از نقطه نظر محلی و چه از نقطه نظر عمومی در آنجا اظهار كردند و بعد هم يك مشروحات مفصلی هر کدام علیحده نوشتند و يك خلاصه هم از آن مشروحات نوشته شده و تقدیم آقای رئیس كل تجارت شد به قیده بنده يك قسمت مهم از اشكالات را پیشنهادات نمایندگان اطاق تجارت ممكن است رفع كنند والا اگر از كنفرانس اطاق های تجارت ایران همچو نتیجه را نخواهیم بگیریم پس اصلاً يك عمل لغوی بوده است یا آنها يك رجل بی اطلاعی بوداند این است كه در این موقع متناسب میدانم خدمت



خودش باشد فقط اجازة که بخواهد راجع به مقررات اسماری است حالا مالبر آقای حاج امین بطور خیلی ساده بیان کردند که خوب يك تمادل صادر و واردی است و يك حمایت از صنوعات داخلی قضیه اینطور هم که ساده فرمودند نیست همین احوال که فرمودید نیست بنده الان عرض میکنم همان قسمتها بلکه خودتان بطور سهل و ساده فرمودید و قبل عرض میکنم که همانها هم اشکال دارد و بان سادگی نیست مثلا فرمودید برای يك جنس صادری يك كمرکي هست و در همان دفتر كمرک حسابش را بکنیم و يك صورتی بدهیم دست صادر کننده . البته این خیلی بیجان سهل و ساده است خوب همین ورقه ساده آقا اسمش تصدیق صدور است و مگر ما حالا غیر از این میکنیم ما هم بدست صادر کننده همین ورقه را میدهیم . فرمودند که میخواهد قید اسم داشته باشد و بخواهد نداشته باشد این نمیشود برای اینکه من صادر کرده باشم جنس را حق ورودش را شما داشته باشید میگوید چه اسم رویش بنویسند بی اسم که نمیشود و مقصود حاصل نمیشود اگر مقصود قبایل انتقال بودن آن است که الان هم همینطور است پس چه فرقی میکند ما هم که همین کار را داریم میکنیم که ایشان میفرمایند فرمودید قهوه و اینها اگر نکنیم که ماده نمیشود آقا الان چهار رقم پنبه است که خودتان میدانید بعد از قالی آلان پنبه دومین مال التجاره صدورى این مملکت است یکی پنبه نوع پیلستان است که بهترین پنبه ها است دوم پنبه امریکالی سوم پنبه بومی ماشین چهارم پنبه بومی چرخى دستى اینطور است با نه یکیش پنجاه تومان قیمتش است یکیش شصت تومان یکی هفتاد تومان یکی نود تومان گرایه هم فرق دارد در هر موقفى مختلف است از اینجا تا کرمانشاه يك قیمت است آهم باز فرق میکند از سبزوار تا زاهدان در اوقات مختلفه فرق دارد خلاصه اگر این وضعیت نباشد و این حسابها را نگاه ندارند خوب هر روز تاجر صادر میکند میگوید خوب چه فرقى میکند برای شما صد تومان بنویسید صد تومان وارد میکند پس این تغییرى که میفرمایند نتیجه همان چیزهاى است که خودتان بياك بیانات مختصرى فرمودید

اینکه فرمودید در كمرک ما تمرکز بدهید کار را گمان میکنم که ابتکار عملى شده باشد که کپی-بونهاى انحصار تجارت را من بعد در كمرک تشکیل بدهیم که جواز ورود و تصدیق صدور را هم همانجا بدهند مراجع و ایالات هم در همانجا باشد و تمرکز ابتکار در طهران خیلی محتملى ندارد ولی بالاخره بدون دادن جواز ورود و حساب که نمیشود بدون حساب هر تاجرى هر نوع مال التجاره که بخواهد بیآورد که نمیشود برای اینکه بنده کراراً عرض کرده ام و باز هم عرض میکنم که حساب مصرف کننده و حساب تولید کننده با حساب تاجر فرق دارد و هر کدام يك جور فکر میکنند مثلا تاجر مصرف کننده جور دیگر میگوید میگوید قفل زرد چوبه که مورد احتیاج آبگوش مردم است باید البته در کران باشد که من منافع زیادی ببرم مصرف کننده هم میخواهد که اینقدر ارزان باشد که او خیلی باسنى بدستش بیاید البته این دو فکرى است طبیعى ولی ما هم باید طوری این صادرات و واردات را تقسیم و تعدیل کنیم که هم احتیاجات مملکت مرتفع بشود و هم صنایع داخلی و محصولات وطنى ترویج بشود مثلا اجناس ورودى مملکت از قبیل دوا و سایر چیزهاى خیلی ضرورى و مورد احتیاج طوری ترتیبش داده شده که هم ماى در بازار هاى مختلفه و قطعات مختلفه مملکت رونق داشته باشد و در دسترس همه باشد راجع بسایر اجناس محتاج الیه هم ملاحظاتی شده و همین جهت است که تقسیم كمرکى هم شده است زیرا که مال التجاره تبریز بدرد خراسان نمىخورد و هر مال التجاره باب يك جائى از كمرک خاصى باید وارد شود . مال التجاره که از راه ارض روم میآید به تبریز غیر از مال التجاره است که از راه دزدانیه به مشهد میآید مال التجاره کرمانشاه بدرد کرمان نمىخورد مال التجاره هم که از كمرک بندر عباس وارد میشود مال حوزه کرمان و یزد است و مال التجاره که از كمرک زاهدان یا لطف آباد یا باجگیران بخراسان میآید هیچوقت مصرف و درد کرمانشاه و همدان نمىخورد و در آنجا مصرف نمیشود پس بنابراین يك تناسبى

هم باید در این محدودیت باشد اگر شما اصل مطلب را قبول فرمودید تمام این جزئیات لازمه آن اصل است و چون شما در عمل وارد بوده اید تصور بکمان تصور میکنید که میشود ولی اگر در عمل وارد شوید که در هر قدمی که جاو میروید به مشکلات بر میخورید و باید همه این کارها را بکنید و اما اینکه آقای حاج امین فرمودند که این جریانات و تشقیقات ضرر بوده بحال تجارت و تجار بنده این عقیده را ندارم برعکس اگر این جریان نبود شما الان تاجر داشتید (صحیح است) حالا اگر مصرف کننده مشقت کشیده است دو سال است در این مملکت اگر مصرف کننده دچار سختی شده و جنس گران مصرف کرده و بالاخره برای تاجر که خوب بوده است اما اینکه آقا فرمودند که بعضی از تجار ورشکست شده اند بلى بعضى تجار ممکن است اینرا قبلا من باب مثل عرض کنم که بنده که مستخدم دولت هستم همزول میشوم یکی دیگر هم عرض میشود فلان آزاد است يك ثروت زیادى پیش او رفت برسد اینرا پنجروزه تمام میکند يك تاجرى هم معامله میکند ضرر میکند یکی دیگر منفعت میکند بالاخره در نقل و انتقال نوده مملکت يك افرادی جایگزین میشوند وضعیت تجارتنى من بگذردى عقب میروند و یکی دیگر جلو میروند چنانچه اگر احصایه صحیحى داشتیم و حالا داریم تهیه میکنیم در آریه نزدیکی همه ساله شما میتواند بیان کنید معاملات تجار ما در این سنوات مختلفه چه بوده است فلان تاجر در فلان سینه معاملاتش زیاد بوده است در فلان سال کم بوده است ضرر کرده است یا منفعت خلاصه رو بهمرفته از نظر تجار قانون انحصار خیلی مفید بوده است قانون که زور اجناس صدورى را از این مملکت بیرون کرده است قانونیکه بريك وضعیت اسعار را نگاه داشته است برای صادر کننده و مصرف کننده قانونیکه برای حمایت از صنایع داخلی اجناس ورودى را جلو گیری کرده است تا رقابت با صنایع داخلی نکند برای تجار خیلی بهفیده بنده ضرر نداشته است حالا مصرف کننده سختی کشیده است انشاء الله در آریه که صنایع داخلی ما را زواج پیدا کرد بگذردى روزگار آنها هم بهتر میشود

رأیس - آقای دشتی

دشتی - عرض کنم اینکه بنده اصلا از این لایحه چیزی نفهمیدم و بقدری ابهام دارد که گمان نمیکند کسی چیزی بفهمد مثلا ماده اول بقدری مبهم است که هیچ چیز از آن فهمیده نمیشود . بنویسد : هیئت دولت مجاز است در هر موقع که مقتضى بداند اجرای تمام یا قسمتی از مقررات قانون انحصار تجارت خارجی بموجب ۱۹ فروردین ماه هزار و سیصد و یازده را که مربوط باسماى خارجی است برای هر مدتی که صلاح باشد تعلیق نموده و یا مقررات دیگری راجع باسماى خارجی وضع نماید . عرض کنم که این لایحه را برای چه مجلس آورده اند این را برای این آورده اند که مجلس رأى بدهد دیگر وقتی که لایحه باین درجه از ابهام رسید بهفیده بنده از برای هر وکیل که بخواهد از روی وجدان رأى بدهد نمیتواند مگر اینکه دولت بگوید ببن رأى اعتماد بدهید البته من میدهم اما باین لایحه دولت چه میخواهد بکنند بنده تمام شما میگویید دولت هم بطوری که بیان شده است يك قصد سرى دارد اگر حالا بگوید ممکن است اسباب زحمت شود عرض کنم این قانون را اتمب فرضا که تصویب شود شما فردا تصویبش را میگیرید حالا باید شوید بیاید پشت این تریبون و توضیح بدهید که ما بدانیم چیست دولت از این لایحه چه میخواهد بنده شخصاً بهشان عرض میکنم بنده ممکن نیست به يك چیزی که بر خلاف عقیده ام هست رأى بدهم و دولت مقتضى است که در مجلس شورای ملی در مقابل نمایندگان ملت مقاصد خودش را بگوید این لایحه باین اندازه کلی و مبهم که مجلس بدولت اجازه بدهد که دولت هر وقت دلتش خواست يك قسمت از فلان قانون یا فلان ماده را تغییر بدهد یا ازاد بگذارد برای مدت معینى یا برای مدت نامعلومى برای فلان قسمتش يك چیزی وضع کند یا جایش يك چیز دیگری بگذارد باین اندازه ابهام و اغماض نه شایسته دولت است نه شایسته مجلس بنده حتی بافوریت لایحه هم مخالف بودم و توضیحاتی



که آقای باسالی دادند بمقتدا بنده کافی بود یعنی فرمایشات ایشان بفرید این بود که حتماً لایحه باید امشب تصویب شود بنوریت عرض کنم که بعد هم گفتند که تصمیمی را که دولت گرفته است نمیتوانیم بمجلس بگوئیم چون حضرات بنده نمیتوانیم که چرا حضرات و این چه تصمیمی است برای اینکه لایحه امشب که تصویب شود فردا تصمیم بگیرند بنابر این دیگر اینقدر فرصت و وقتی از برای مردم باقی نماند که يك عمای بکنند که مخالف مصالح اجتهاد مملکت و مردم باشد عرض کنم که اگر آقای باسالی خاطرشان باشد در همان قانون نوزدهم تیر ماه که بمجلس شورای ملی آوردند بنده این مطلب را عرض کردم و آن این است که اساساً دولت چه الزامی دارد که مداخله در اسعار نماید دولت را يك مالیخولیایی راجع باسعار گرفته است الان اثر بقانون نوزدهم تیر ماه نگاه کنید در چندین صفحه راجع بوضعیت اسعاری آنچه بحث شده آنوقت هم با شدند و توضیحاتی دادند و توضیحاتشان هم کافی نبود و آنان صورت مجلس حاضر است یعنی منطبق با سوال ما نبود عرض کنم که ما میخواهیم بفهمیم که نظارت دولت در اسعار خارجی چه تأثیری در تجارت مملکت دارد عرض کنم که در آنوقت بنظرم این را مربوط کردند بانحصار تجارت اگر نظارت دولت يك شرط لازمی باشد برای حفظ قانون انحصار تجارت البته بنده و سایر آقایان هم موافقت میکنیم که دولت صد درصد نظارت در اسعار داشته باشد و مداخله کند ملاحظه فرمائید قانون انحصار تجارت فایده اش چه است؟ همین دو فایده بود که آقای حاج امین فرمودند یکی مداخله صادرات و واردات مملکتی یکی هم حمایت از مصنوعات داخلی و این چطور میشود این شکل میشود که شما هر کس جنس از مملکت خارج کرد اجازه بدهید که جنس وارد کند حلال هم میگویید که همین کار را میکنند منتهی آقای حاج امین میل دارند که این در طهران نشود در کمرگانهای سرحداث بشود بيك شكل انونماتيك

باشد بيك شكل ماشينی باشد هر کس يك ورقه آورد و گهر کس را داد جنس صادر کند و بعد هم ورقه اش را باطل کنند دیگر این کتککش ها و فرمایشات بازبهای اداری درین باشد که این نه تنها بنجار ساده لوح ولایات را کج میکند بلکه متقدم که این فرمایشات بازبهای تجار طهران را هم کج میکند الان این کارهایی که در ادارات دولتی میشود این به معنی بیشتر شبیه است تا بانجام کار بعضی اوقات يك کارهایی از طرف بعضی از تجار به بنده رجوع میشود در ادارات دولتی که مبروم خدا شاهد است بنده هیچ نفهمم ببلخی هم میبرسم از اینطرف از آنطرف توضیح میدهند تحقیق میکنم بالاخره باز هم بيك اشکال روی آن اشکال می آید و این از برای آن کسبکه فقط عادت این داشته است که جنس صادر میگردد و وارد میگردد مزاحم است قصد آقای حاج امین هم این نبود که شما یکی تجارت را اول کنید و کنترل نکنید خبر فصدو بیت ایشان این بود که این را بيك شكل انونماتيك در بیارید در درجه اول نقطه نظر ایشان این بود بنده هم موافقم و آن مسئله آقای کنتنژان است شما با داشتن مسئله کنتنژان اسباب زحمت تمام مملکت را فراهم آورده اید بهترین همین کننده کنتنژان احتیاجات عمومی مملکت است هر وقت که احتیاجات ایجاب کرد و فلان جنس در مملکت کم شد تاجر روی احتیاجات وارد میکند آیا سابقاً پیش از قانون انحصار تجارت دولت چه میکرد آیا کنتنژان داشت؟ هیچوقت شد که نوبت مملکت يك جنس مهمی بدرجه قحط و غلا برسد مثلاً چیت ذرعی يك قران بشود ده قران؟ یا اینکه افل زرد چوبه که شما گفتید عمل احتیاج عمومی است از سیری يك قران به ۱۵ قران برسد؟ هیچوقت همچو چیزی نشده است عرض کنم که آقا خود تاجر يك نرموتری است از برای احتیاجات بازار او می فهمد و آن چیزی که برای احتیاجات عموم لازم است وارد میکند (صحیح است) و این کنتنژان همین کردن آقا اسباب زحمت است هم برای تجار و هم برای مردم شما اینرا بطور مطلق

ول کنید آزاد کنید هر کس هر قدر جنس صادر کرد بهمان اندازه جنس وارد کند فقط يك موضوعی است و آن این است که شما حق دارید يك قسمت از اجناس را ممنوع کنید بگوئید کسبدرشین اصلاً وارد نشود کتیک مطلقاً وارد نشود عطر مطلقاً نیاید ولی سایر چیزهای ضروری بنظر خود مردم باشد بيك اصل هست که ان اصل را تمام عقلای دنیا تقریباً تصدیق دارند و قوی مملکت ما بدبختانه هنوز این اصل معمول به و مسلم فتنه است و آن اصل این است که هر قدر مداخله دولت با کارهای مولدالثروة با کارهای تجارت و صنعت و زراعت کمتر باشد این سه چیز مولدالثروة بهتر اند و ما میکنم و جلو میروم (صحیح است) عرض کنم که الان فقط يك ثوری در دنیا هست و آن ثوری سوسیالیزم است که معتقد است به انقباض که تمام کارها را میخواهند در دست دولت متمرکز بکنند و تمام دولت را در کارهای اقتصادی زیاد بکنند ولی در سایر دولتها اینکه امور اقتصادیشان به منتهی درجه نشوونما و ارتقاء رسیده است در آن مملکت ما همین است که مداخله دولت کمزاست هم در مسئله زراعت هم در مسئله تجارت هم در مسئله صنعت و این مداخله دولت هر قدر محدودتر و کمتر باشد بهتر است . حالا علت هم دارد برای اینکه اصلاً علت غائی وجود حکومت برای چیست؟ حکومت برای چه تشکیل شده است؟ رزق و ثمر حکومت اصلاً برای چیست و برای چه ایجاد شده است؟ حکومت فقط وقت برای حفظ انتظامات است . یعنی باب حکومت وضعیت را طوری نگه دارد که بقال بتواند بقالی کند زارع بتواند درست زراعت کند صنعتگر بتواند راحت بصنعت خود بپردازد و کسی نتواند کلاه کسی را بردارد پس وظیفه حکومت این است و پس و بنا برین اگر حکومت از این علت غائی خودش کنار رفت یعنی از آن چیزی که باعث وجود او شده است دست برداشت یعنی مداخله در کارهایی بکند که برای آن کارها ساخته نشده

است اونمی تواند خوب انجام وظیفه بکند (صحیح است) این مسئله را که عرض میکنم ثوری نیست این قسمت را در ممالک مختلفه دنیا در اغلب ممالک بطور مختلف امتحان کرده اند تجربه کرده اند و دیده اند که نمی شود مثلاً راه آهن که در مملکت فرانسه در دست کپانی است و عمل میکند با راه آهنی که در دست خود دولت است خیلی فرق دارد و آن قسمت که در دست کپانی است بهتر عمل میکند تا آنکه در دست دولت است (صحیح است) دولت باید کارهایی خودش را فقط محدود کند بآن قسمتی که مربوط بحفظ انتظامات و حفظ حقوق و حدود اجتماعی است و پس و الا مداخله کردن در امور که مربوط بشوون او نیست یعنی در قسمت های مولد ثروت بعقیده بنده صحیح نیست و هر چه مداخله اش کمتر باشد در این قبیل مسائل هم به منفعت خودش است هم به منفعت جامعه است . پس بنا بر این اگر این کنتنژان یکی از بیعت برود بيك قسمت زیادی از مداخله دولت و تماس با تجارت عمومی مملکت از بیعت برود آنوقت هم دولت راحت میشود و هم تاجر . بيك چیز خیلی مهم دیگر مسئله اسعار است دولت چه کار دارد باینکه اسعار قبضه اش چه قدر است؟ مثلاً فرض کنیم دولت چه کار دارد که دلار قیمتش ۲۵ ریال است یا بیست ریال است یا چه ربطی دارد؟ هر وقت صادرات مملکتش زیاد شد اسعار خارجی قنزل میکند و هر وقت کم شد ترقی میکند این مربوط بدولت نیست . اگر دولت در بانک يك پول طلائی داشت و در مقابلش اسکناس رواج داده بود و برای حفظ پول خودش میخواهد اقدام باین کار بکند البته مداخله اش صحیح و بجا بود ولی حالا که این موضوع در کار نیست جز اینکه حالا دولت دارد و خودش راجحتم می اندازد تاجر و بانکها را هم همینطور چیز دیگری نیست آخر بدولت چه مربوط است که نرخ معین میکند که دلار را عوض ۲۵ ریال ۲۴ ریال بفروشند این بدولت چه مربوط است که ۲۴ یا ۲۵ قران بفروشند؟ در اوایل امر وقتی که در سه سال پیش ابرم شروع کرد به ترقی کردن تاجر وارد کننده



شروع کردند بقال مقال کردن مخصوصاً بپار وارد کنند  
 له بپار صادر کننده شروع کردند بپار و بپار کردن که  
 ای زندگانی عمومی دارد گران میشود چه میشود چه میشود  
 مردم هم چون دیدند جنسشان گران دارد میشود شروع  
 کردند بپار و فریاد کردن و چاره از دولت خواستن دولت  
 هم در همانوقت می بایستی ابتدا مداخله در این کار نکند ولی  
 دولت بیخود در تحت تأثیر بپار وارد کننده و مردم  
 مستهلك کننده اجناس و اسعار خارجی رفت و نظارت  
 در اسعار خارجی را درست کرد بعد دیدند آن میشود بیک  
 قانون آوردند و آن را جرح و تعدیل کردند بعد دیدند آنها  
 که میشود در ۱۹ تیر ماه دوباره جرح و تعدیل کردند  
 حالا می بیند باز میشود این را آورده اند حالا از این  
 جهت که آقای رئیس تجارت فرمودند که هر کیلی عقیده  
 خودش را راجع باسعار بگوید بنده عرض میکنم که عقیده  
 بنده این است اسعار خارجی باید بکلی آزاد باشد و نظارت  
 و تماس دولت و مداخله دولت در امر اسعار خارجی بیچوجه  
 تأثیری در قانون انحصار تجارت ندارد چه مربوط است قانون  
 اسعار با انحصار تجارت قیمت دلار سه تومان یاد و تومان پایه است و  
 پنج قران پایه است و چهار قران باشد چه مربوط است باینکه دولت  
 مداخله کند؟ هر وقت فلان تاجر جنسی را صادر کرده و ورقه  
 صدوریش بشما داد شما میتوانید جواز ورود بپیش بدهید دیگر نباید  
 مداخله در امر اسعار و قیمت آن داشته باشید این مربوط  
 بشما نیست. یک نکته دیگری که می خواستم عرض کنم  
 این است که این ابهام مانده اول را ملاحظه بکنید که باین  
 شکل اجازه دادن بدولت خوب نیست و مثل این است  
 پیغمبر بنده که ما بوزارت عدلیه اجازه بدهیم که آقا تو  
 اختیار داری هر روز هر ماه قانون اصول مجاکات را  
 تغییر بدهی این از برای مردم آقا دیگر امنیت باقی  
 نمی گذارد. اگر شما یک قوانین و قواعد ثابت و مسلمی  
 نداشته باشید اگر یک اصول مسلمی نداشته باشید که  
 بمنزله باز و قیامده و اساس حقوق مردم باشد این  
 دیگر از برای مردم امنیتی باقی نمی گذارد. شما  
 بخواهید این جا اجازه بدهید بدولت که هر وقت هر  
 هفته و هر ماه و هر روز که دلش خواست در اسعار

مداخله کند این خیلی برای تجارت مضر است. اینجا  
 دولت بواسطه همین مداخلاتی که کرده است مثلاً دلار  
 که حالا تزلزل کرده است می خواهد بفروشد دست و  
 پاچه شده است چون خوب تاجر که نیست بک قدری هم  
 سبر و حوصله ندارد می خواهد فوری دلار خودش را  
 بفروشد (خنده نمایندگان) نمی تواند که سبر کند شاید  
 بعد یک زنبی پیش بپاید که بهمان قیمت سابق بفروشد  
 این است که حالا بدست و پا افتاده است که با قانون  
 دلارش را بفروشد بهر حال مداخله دولت در امر اسعار  
 بقیه بنده برای آینده مملکت اصلاح و برای انتظامیات  
 عمومی مملکت مضر است. (صحیح است)

**رئیس کل تجارت** - عرض میشود که آقای دشتی راجع  
 بنده اول فرمودند که بک ابهامی دارد و رأی دادن  
 به آن اشکال دارد مگر اینکه عنوان رأی اعتماد باشد  
 تقریباً همین طور هم هست. بنده بنده اصل مطلب هیچ  
 ابهامی ندارد بالاخره اجازه خواسته است دولت از مجلس  
 شورای ملی و غیر از این عبارت اگر آقا عبارت دیگری  
 بنظرشان میرسد مرقوم فرمایند که معنی این عبارت را  
 داشته باشد برای ما فرق نمی کند مقصود این است که  
 دولت بتواند ناموقی که روشنائی در وضعیت اسعاری  
 بازارهای دنیا پیدا شده است بک تعدیاتی بگیرد و بعد  
 آن تعدیاتی را بصورت لایحه بمجلس شورای ملی  
 بیاورد (روحی - تا چند وقت) ممکن است تاده روز  
 دیگریست روز دیگر تعیینش ممکن نیست آقا شاید خیلی زود  
 باشد شاید قدری دیرتر شاید وضعیت روشن شود یا اصلاحاً شاید  
 باین زود بیا شود. یکی دیگر اینکه فرمودند که با حفظ  
 قانون انحصار تجارت دیگر مداخله دولت در کار اسعار  
 چه لزومی دارد. این را واقفاً بطور خلاصه عرض میکنم  
 که اگر دولت مداخله می کند در کار اسعار از لحاظ  
 این است که در تعادل صادرات و واردات نظر داشته باشد  
 چنانچه بک مرتبه دیگر هم عرض کردم که این تفاوت در  
 قانون انحصار تجارت خارجی و تعادل واردات و  
 صادرات بدون کنترل اسعار خارجی ممکن نیست و مقصور  
 نمی شود برای اینکه قویم هالی که در گمرکات میشود  
 بواسطه خرید در بازارهای داخلی و فروش اسعار  
 خارجی ملائذ در تعادل نیست اگر چنانچه شما معتقدید

و مطمئن هستید که تاجر قویم هالی را در گمرک بوشهر  
 صحیح میکند و شما بحساب او مطمئن بودید که واقفاً  
 بقیمتی که برای تاجر تاده شده بهمان نسبت اسعار تهیه  
 می کند و قوه اسعاری او باندازه همان قویمی است که  
 شده و اظهار کرده و بهمان قدر در بازار فروش رفته  
 است البته دیگر این موضوع مورد نداشت ولی خیر  
 نمی شود مطمئن بود زیرا که ممکن است کمتر فروخته  
 شود باز در فروخته شود برعکس جنس ورودی هم اسعاری  
 که در خارج برایش فروخته و پرداخته می شود مثلاً  
 در سرحد بوشهر و می آید به مملکت قیمت فروشش  
 غالباً در داخله بیشتر است زیرا خرید آن در بازار خارج  
 خیلی ارزانتر است و غیر از آن چیزی است که در این  
 جا تهیه می شود او قیمت می کند پرداخت قیمت بازار  
 خارجی را و قیمتی که با اسعار خارجی داده است در  
 آن جا هم بخور بپوش و کرایه و مالیات راه و گمرک و  
 همه اینها را می کشد رویش و باز بیشتر می فروشد باز  
 این جا یک تفاوتی پیدا می شود و البته باین تفاوت  
 میخواهد از مملکت اسعار خارج کند در صورتی که این  
 منافعی است با نظرم که تعادل صادرات و واردات است و  
 مانعی نخواهم این کار را بکنم و برعکس تاجر و  
 لوائیکه هیچ نظری هم نداشته باشد در گمرک هم صحیح  
 قیمت کرده باشند بجز خود او اطمینان ندارد و نمیداند  
 همان اندازه که قویم کرده اسعار ارزش حاصل میشود  
 یا نه؟ باین مادام که قویم اسعاری درست نشود تعادل  
 صادرات و واردات درست نمی شود و مقصور نیست یعنی  
 تعادل صادرات و واردات عبارت از تعادل اسعار صادرات  
 و واردات است بلی اگر بپول ما در دنیا در بازارهای  
 بوردی دنیا عمومأ بک کوفته و ارزش داشت  
 و ثابت بود بک حساب خیلی روشن داشت  
 البته دیگر ما احتیاج باین وضعیت نداشتیم ولی وقتی که  
 اینطور نیست و مادامی که وضعیت پول ما و دنیا اینطور  
 است تعادل اسعاری حاصل نشود یعنی آنقدر که باید  
 پرداختند دنیا یعنی برای خرید اجناس تهیه کنند و  
 بدهند یا جنس بدهند و جنس بیاورند تا تعادل اسعاری  
 در بین باشد تعادل صادرات و واردات بنحو کامل  
 صدق پیدا نمی کند (صحیح است) اما معانی که

فرمودند چرا دولت در کارهای تجارنی مداخله می کند  
 و هر قدر مداخله اش در کارهای تجارنی کمتر باشد  
 بهتر است. متأسفانه خود ایشان روزنامه نگارند و بهتر  
 باین مسائل آشنا هستند و مطلع می باشند که دولت ما در  
 همه جا سبکشان را عوض کرده اند و روز بروز حکومتها  
 مداخلاتشان در اقتصادیات بیشتر می شود اگر یک دولتی  
 پارسل نکرده بود اسسال مداخله کرده بیارسال نکرده  
 بود پارسل مداخله کرده اگر اسسال شروع نکرده سال  
 دیگر شاید بکند. حالا بنده نمی خواهم وارد بشوم که  
 علل این قضایا چه بوده و چیست اینها عجائبا از موضوع  
 بحث ما خارج است. یکی دیگر اینکه فرمودند که کنتران  
 موردی ندارد و بکلی اجناس آزاد باشد یعنی بک قسمت  
 از اجناس بکلی از بین برود و کنار گذاشته شود بک  
 مقداری هم آزاد باشد و تاجر هم هر وقت ورقه داشت و  
 جواز ورودش دستش بود نشان بدهد از هر گمرک  
 جنس وارد کند این هم تقریباً همان فرمایش آقای  
 حاج امین است که فرمودند هر کس ورقه صدور داشت  
 جواز ورود بهش بدهند و از هر گمرکی خواست جنس  
 وارد کند و در گمرک هم حساب آن را نگاه بدارند.  
 زیرا که کنتران برای محدودیت است و محدودیت بدون  
 کنتران معنی ندارد اگر بک قسمت اجناس را ممنوع  
 کردید و بک قسمتی که باقی ماند باندازه صادرات باید  
 وارد شود باندازه حقیقی بدون اینکه قید داشته باشید  
 حمایت از مصنوعات داخلی بکنید و اندازه بگیری باز  
 این فرمایش آقا صحیح است و دیگر کنتران معنی ندارد  
 و الآن هم ما برای دوا و کاغذ و ماشین آلات هیچ  
 کنتران نداریم و کنتران برای آنها هیچ معنی ندارد و  
 آن را خیلی لارژ میگیریم (عده از نمایندگان - لارژ  
 چه چیز است دیگر) ولی برای آن چیز بیکه مورد حمایت از  
 مصنوعات داخلی است البته بایستی محدود باشد (صحیح است)  
 اگر ما بخواهیم فرضاً چرم را وارد بشود اسسال ممنوع کنیم که  
 دیگر احتیاج نداریم و ممنوع کردیم این دیگر دعوائی  
 ندارد بکوقت این است خیر تهیه چرم در مملکت  
 میشود ولی بقدر احتیاج نیست و نمیشود بکلی ممنوع



کرد ممکن است در يك كوشه مملکت تدارك بشود ولی در يك گوشه خبر و باندازه احتیاج نداریم اینجا کنتنران لازم است و باید محدود بشود مقدار ورودش بقدر احتیاج مملکت و تمام دعوائی هم که در کنتنران است - این قبیل اقلام است. اطمینان مبدع بجناب عالی و الا هیچوقت اگر يك کسی يك ناجری شکایت کرد که اگر يك وقت آمده است برای چیت جواز میخواهد اگر ما اشکال کرده ایم حق با شما است و یا اگر يك کسی آمده است جواز چای یا ماشین خواسته است (موارد بسیار دارد) اگر ما اشکال کردیم این صحیح است و هیچ در این قسمت ما شایسته نیست الان هم که ده ماه و خورده از سال اقتصادی ما گذشته است هنوز يك مقداری از این کنتنران باقی است و نخواسته اند این چیز هائی است که ما برای حفظ و حمایت مصنوعات داخلی میخواهیم محدود کنیم و نمیتوانیم آنها را بگذریم کنتنران برای این اجناس همین میشود. دعوی سر این چیز هائی است که ما عدا میخواهیم محدود کنیم و ممنوع کنیم و بین المخطورین گیر کرده ایم نه میتوانیم بطور کلی بگوئیم ممنوع است برای اینکه باندازه کافی تهیه نمیشود و نه میتوانیم بگوئیم خیر بکسی آزاد است و ممنوع نیست برای اینکه میخواهیم از مصنوعات داخلی هم حمایت بکنیم (صحیح است) و ناچاریم يك حد و مقداری برایش قائل شویم و کنتنران بنویسیم پس تمام کشمکش ما با تجار سر این قبیل اقلام است چیز تازه نیست ضمیمه اینکه چیز های دیگری ایجاب کرده است که حالا که بنا شد يك قسمت از اجناس کنتنران داشته باشد اینها هم کنتنران داشته باشد منتهی وسیعتر

عده از نمایندگان - مذاکرات کافی است

عراقی - بنده مخالفم

رئیس - آقای عراقی راجع بکفایت مذاکرات فرمائید عراقی - لایحه بنظر بعضی ها (که یکی هم خود بنده هستم) بعضی از موادش اصلاً اشکال دارد که مجلس رأی بدهد و اگر بگوئیم که کافی است و بعد داخل در مواد شویم

مثلی اینکه کافی شود که ... (همه بعضی از نمایندگان - کافی است مذاکره شده) نه آقایان ترر فرمایند عقیده کسی را چون بنده این عقیده را دارم آقایان ترر فرمایند عقیده بنده را. بعضی ها خیال میکنند که این ماده اول خلاف قانون است و بعقیده بنده اصلاً برخلاف نظامنامه و مقررات مجلس است و ما نمیتوانیم اصلاً بهش رای بدهیم و خوب است آقایان اجازه بدهند ما در کلیات عقیده خودمان را اظهار کنیم بعد هم سایر آقایان توضیح بدهند و آقای رئیس کل تجارت هم که گفتند خلاف قانون نیست و رد کردند آنوقت البته مجلس رای میدهد (عده از نمایندگان - فرمائید آقا - فرمائید) عرض کنم که در ماده اول می نویسد هیئت دولت مجاز است در هر موقع که مقتضی بداند اجرای تمام یا قسمتی از مقررات قانون انحصار تجارت خارجی مصوب ۱۹ تیرماه ۱۳۱۱ را که مربوط باسعار خارجی است برای هر مدتی که صلاح باشد تعلیق نموده و یا مقررات دیگری راجع باسعار خارجی وضع نماید بعقیده بنده اول اجازه که داده میشود بدولت در این ماده اجازه وضع قانون است در صورتیکه قانون گذاری منحصر بخود مجلس است و دولت مجری قانون است نه اینکه قانون گذار باشد این اجازه را که ما بدولت میدهیم معنائش این است که دولت برود قانون وضع کند و این صحیح نیست این مثل این است که بیک کبیسونی همانطور که ما بکبیسون عدلیه و باقوی وزیر عدلیه اختیار دادیم که قوانین را بیاورند در کبیسون و کبیسون عدلیه تصویب کند بعد از آن موقع اجری بگذارند حالا ما داریم اختیار میدهیم بدولت که بکسر قانون گذاری بکند آنها چه قانونی؟ يك وقت است که ما اجازه میدهیم که برود قانونی بگذارد بیاورد این جا اصلاح کند و بیاورد ما به بینیم اگر يك اشکال بنظرمان آمد بیان کنیم. حالا میگوئیم خیر این راهم بیاورد و مجاز است قانونی را هم که سابقاً مجلس گذرانده است آنرا هم معاق بدارد اگر نسخ است باید دولت بیاید بگوید اینطور است و این قانون را نسخ کنید و فلان ماده را بجای آن ماده منسوخ

می خواهیم وضع کنیم و این ماده را بجای آن پیشنهاد می کنیم یا اصلاً خیر پیشنهاد نمی کنند ولی این عنوان تعلیق در قانون يك لغتی است که در تمام ادوار مجلس اگر يك جائی را پیدا کنید من خیلی متشکر خواهم بود که مجلس رأی داده باشد که يك قانونی معاق باشد یعنی نه نسخ شده باشد نه اجرا شده باشد يك قانون معاق ما هنوز ندیده ایم این عیناً شیرینی دم و سر و اشکم است. قانون معاق معنی ندارد آقا قانون معاق باشد یعنی چه؟ مجلس رأی بدهد که این قانون معاق باشد چیز عجیبی میشود برای این دو اشکال که بنده بنظر می آید ما نمی توانیم رأی بدهیم که قانون معاق بماند مگر اینکه نسخش بکنیم یا يك ماده دیگری قائم مقام آن بکنیم نه اینکه اجازه بدهیم که دولت وضع قانون بکند. چون سراًحتاً می نویسد که برای ابتکار هر نوع مقرراتی را که دولت میخواهد وضع کند اختیار دارد حالا این برای چه مدت است نمیدانم برای يك سال هست نمیدانم برای دو سال است نمیدانم بعبارت ساده حق دادن وضع قانون بدولت از طرف مجلس به عمری چیز عجیبی میشود مثل این که خانه اش را کسی بعمری بدهد ما هم بیاییم عمری اختیار بدهیم بدولت که مادام العمر قانون وضع کند این چیز عجیبی میشود.

رئیس کل تجارت - عرض کنم که تعلیق قانون خیلی سابقه دارد بعلاوه قوانینی که قابل اجرای موقت است بدولت اجازه داده شده است که موقتاً اجرا کنند. يك هیئت دولتی يك وزیر الان وزیر عدلیه بموجب قانون اختیار دارد که قوانین مربوطه بدیوان جزای عمال دولت را وضع نموده و تغییر و تبدیل بدهد قوانین جزائی که خیلی اهمیتش از این بیشتر است. پس اینها خیلی بی سابقه نیست که فرمودند و این تقاضائی هم که شده است پیشنهاد است آقایان اگر میل دارند اصلاح کنند و اگر میخواهند يك مدتی هم ممکن است برایش قائل شوند تا يك مدتی مثلاً که بعد از این مدت البته آزمایش می شود امتحان میشود وضعیت هم روشن میشود و دولت آنوقت

مکلف باشد که لایحه اش را بیاورد بمجلس و پیشنهاد بکند اگر تصمیم قطعی براین شد که بکلی اسعار آزاد باشد لایحه بیاورد برای آزادیش اگر تصمیم گرفت يك قسمتی آزاد و يك قسمتی محدود باشد آنرا هم می آورد و ممکن است مدتی هم برای آن معین کنید سوابقی که دولت در ابتکار ندارد و عجزاً وضعیت طوری ایجاب کرده است که دولت این تقاضا را کرده است اما اینکه بنده فراموش کردم جواب عرض کنم یکی از آقایان اینجا فرمودند دولت خودش اسعاری دارد و دست پاچه شده و میخواهد بفروشد. خیر آقا دولت همچو اسعاری ندارد اگر هم اسعاری دارد خودش مورد احتیاجش است. دولت همیشه برای اسعار دست تکی است و اداره تجارت معتقد بود که اسعار دولتی در خزانه داری جدا باشد دولت هم خودش همین عقیده را داشت وزارت مالیه هم همین عقیده را داشته و مدتها است که هیچ مداخله در کار اسعاری نکرده است و آقایان تجار هم خودشان - بوق هستند و دولت اسعاری که لازم دارد از جای دیگر از طرق عایدات مملکتی از طرق دیگر برای دولت تحصیلش مشکل نیست و اسعاری که هست در بانکها اسعار حاصله از صادرات است که تاجر آمده اند و فروخته اند و بولهایش را هم گرفته اند حالا هم شاید تجار بخزند (کازرونی - خیر نمیخرند) نمیخرند ما هم نمیفروشیم بهشان الزامی نداریم هر وقت احتیاج پیدا کردند میخرند اگر مملکت تقاضای اسعاری درش بود گرانتر از اینها میخرند اگر خیر عرضه اسعاری در این مملکت زیاد شد یعنی اگر صادرات و واردات تعادل نکرد و اسعار خواهد ماند بگذارید بانکها با دولت هم ضرر کند ولی مطمئن باشد که همچو چیزی نیست (عده از نمایندگان - کافی است مذاکرات)

رئیس - اشکال نیست شما هم که آقای عراقی مخالف بودید حرفتان را زدید (عراقی - بی بی) آقایانی که باورود در مواد موافقت دارند قیام فرمایند. (عده زیادی قیام نمودند) تصویب شد تقاضا شده است که چند دقیقه



تفس داده شود (صحیح است) اگر اجازه مفرمائید پنج دقیقه ده دقیقه تفس داده شود (صحیح است) (در این موقع جلسه برای تفس تعطیل و فاصله بیست ساعت مجدداً بریاست آقای دادگر تشکیل گردید)

**رئیس** - ماده اول قرائت میشود:

ماده اول - هیئت دولت مجاز است در هر موقع که مقتضی بداند اجرای تمام یا قسمتی از مقررات قانون انحصار تجارت خارجی مصوب ۱۹ تیر ماه ۱۳۱۱ را که مربوط باسعار خارجی است برای هر مدتی که صلاح باشد تعلیق نموده و یا مقررات دیگری را جمع باسعار خارجی وضع نماید.

**رئیس** - آقای رهنا

رهنا - بنده در این موضوع دیگر عرضی ندارم برای اینکه در خارج مذاکره کردیم و توافق نظر بین آقایان نمایندگان حاصل شد و پیشنهادی تهیه شده است که بجای این ماده تقدیم میشود (صحیح است)

**رئیس** - پیشنهادی که تهیه شده است قرائت میشود:

ماده اول - مجلس شورای ملی از تاریخ تصویب این قانون مقررات قانون انحصار تجارت خارجی مصوب ۱۹ تیر ماه ۱۳۱۱ ملغی نموده و هیئت دولت اجازه میدهد در صورتیکه مقتضی بداند مقررات جدیدی نسبت باسعار خارجی وضع نموده و بطور آزمایشی موقع اجرا بگذارد و در ظرف مدت سه ماه آن مقررات را برای تصویب بمجلس شورای ملی پیشنهاد نماید. روسی دشتی - يك مرتبه دیگر این پیشنهاد قرائت شود.

ماده اول - مجلس شورای ملی از تاریخ تصویب این قانون مقررات قانون انحصار تجارت خارجی مصوب ۱۹ تیر ماه ۱۳۱۱ ملغی نموده و هیئت دولت اجازه میدهد در صورتیکه مقتضی بداند مقررات جدیدی نسبت باسعار خارجی وضع نموده و بطور آزمایشی موقع اجرا بگذارد و در ظرف مدت سه ماه آن مقررات را برای تصویب بمجلس شورای ملی پیشنهاد نماید.

عده از نمایندگان - صحیح است. سایر پیشنهادات هم قرائت میشود.

**رئیس** - آقای روسی بفرمائید توضیح بدهید.

روسی - عرضی ندارم.

عده از نمایندگان - توضیح داده شد. توضیح لازم ندارد دیگر

**عراقی** - سایر پیشنهادات هم خوانده بشود

**رئیس** - پیشنهاد آقای عراقی و نهیمی.

امضا کنندگان قبل ماده اول را با بنظر بی پیشنهاد مینمائیم:

ماده اول - از تاریخ تصویب این قانون مقررات قانون انحصار تجارت خارجی مصوب ۱۹ تیر ماه ۱۳۱۱ آنچه را جمع باسعار خارجی است ملغی و دولت مجاز است در ظرف بازده روز مقررات دیگری را جمع باسعار خارجی وضع نموده و منتهی در ظرف سه ماه بتصویب مجلس شورای ملی برساند.

**رئیس** - پیشنهاد آقای مؤید احمدی

پیشنهاد میکنم ماده اول بترتیب ذیل اصلاح شود:

مواد قانون انحصار تجارت مصوب ۱۹ تیر ۱۳۱۱ که مربوط باسعار خارجی است از تاریخ تصویب این قانون تا مدت سه ماه موقوف الاجراست - هیئت دولت مجاز است مقررات جدیدی که صلاح میداند وضع و موقع اجرا بگذارد و بعد از آزمایشی بصورت لوایح قانونی بمجلس شورای ملی پیشنهاد نماید

**رئیس** - پیشنهاد آقای فرشی:

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی دامت شوکتة این بنده پیشنهاد میکنم در ماده اول اختیاری که در موضوع اسعار خارجی بدولت داده میشود تا اول تیر ماه ۱۳۱۲ بود بماند

**رئیس** - پیشنهاد آقای افسر

بنده پیشنهاد میکنم برای مدت سه ماه.

**رئیس** - پیشنهاد آقای مدلل

مقام منبع ریاست محترم مجلس دامت شوکتة

بنده پیشنهاد میکنم دو فقره اصلاح ذیل در قانون مورد مذاکره شود.

(۱) - مدت اختیار دولت تا اول تیر ماه ۱۳۱۲ بماند

(۲) - مقررات دولت پس از تصویب کمیسیون اقتصاد مجلس مجری شود

**رئیس** - تمام این پیشنهادها عقب يك مقصود است و آن عبارت از این است که اولاً مدت محدود باشد (صحیح است) و ثانیاً این حق استرداد بشود یعنی این حق موقتی باشد (صحیح است) و بنظر بنده آن قسمتی که مورد توافق عموم است همان را مقدم میدانم (صحیح است) آقای شریعت زاده پیشنهاد شما را هم بخوانند؟

**شریعت زاده** - بی بی آقا قرائت بشود.

**رئیس** - پیشنهاد آقای شریعت زاده:

اصلاح ماده اول

ماده اول - از تاریخ تصویب این قانون تا شش ماه دولت مجاز است نظامنامه که مشتمل بر مقرراتی را جمع به تقبلیت اسعار خارجی باشد تدوین و بجای تمام یا قسمتی از مقررات را جمع به تقبلیت اسعار خارجی مندرجه در قانون انحصار تجارت خارجی برای آزمایش در عمل موقتاً بموقع اجرا گذارد.

بصره اول - دولت میتواند در مدت اختیار مذکور در فوق در هر موقعی مقتضی بداند تمام یا قسمتی از مقررات نظامنامه را اصلاح و یا نسخ و مواد دیگری بجای آن تدوین و مجری دارد.

بصره دوم - مادامیکه صورتات دولت مجری است مقررات را جمع به تقبلیت اسعار خارجی مذکور در قانون انحصار تجارت خارجی موقوف اجرا خواهد بود.

**رئیس** - نظر دولت را جمع به پیشنهادها چیست؟

**رئیس کل تجارت** - عرض کنم آنچه که بنده می توانم استنباط کنم این است که آقای رهنا هم بان اشاره کردند و آن پیشنهاد آقای روسی است که تقدیم کردند

و تقریباً این پیشنهاد با دوسه پیشنهاد دیگر موافقت دارد و نزدیک است و مورد توافق غالب آقایان هم است (صحیح است) و بنده با آن میتوانم موافقت کنم. اما پیشنهادی که آقای شریعت زاده فرمودند راجع به شش ماه شاید خود دولت هم منتقد نیستند که فضا به منظور در شش ماه ملغی بماند و شاید هم در ظرف مدت خیلی کمی پس از تصویب این پیشنهاد لایحه که لازم باشد تقدیم مجلس شورای ملی بشود در اینصورت حد معتدل این فضا همان است که در ظرف سه ماه باشد که لایحه اش تقدیم مجلس بشود فقط يك عبارتی در قسمت اول پیشنهاد آقای روسی داشت که بنظر بنده يك (را) از آن اقتاده است و اگر اصلاح شود بهتر است و عبارت درست میشود

**رئیس** - خیال میکنم پیشنهاد آقایان فرشی و افسر و عراقی و نهیمی در ضمن پیشنهاد آقای روسی مندرج است و منسوی است (صحیح است) ...

**فرشی** - بنده پس میگیرم

**رئیس** - بی فکر آقا تأویب شده است. آقای شریعت زاده تعقیب میکنند فکر را؟

**شریعت زاده** - خیر بنده اصراری ندارم

**رئیس** - پیشنهاد آقای مؤید احمدی هم در ضمن این پیشنهاد تأویب شده است. اختلافی نیست؟ (گفته شد - خیر)

آقایانیکه با ماده اول باین وضعیکه قرائت شد و تصحیح شد مطابق پیشنهاد آقای روسی که دولت هم قبول کرد موافقت دارند قیام فرمائید (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده دوم قرائت میشود:

ماده دوم - اشخاصی که در انجام تعهدات صدور یا تعهدات فروش اسعار خارجی مربوط به قبل از ۱۹ تیر ۱۳۱۱ تأخیر کرده اند از تعقیب جزائی معافند.

**رئیس کل تجارت** - آنجا که نوشته شده است از تعقیب جزائی معافند نوشته شود در هر مرحله قضائی باشد از تعقیب معافند. در هر مرحله که باشد نوشته شود (صحیح است) چون ممکن است حکم از محکمه بدایت صادر شده



و هنوز قطعی نشده باشد و بعضی ها که بدون جهت مبتلا هستند آزاد شوند

رئیس - آقای تربیت زاده

**شرایط داده** - این ماده که حالا قرائت شد بنده متوجه يك اشکالی شدم و آن این است که در يك زمانی مقتضیات ایجاب کرده است که يك قانونی برای حفظ و تعادل اوضاع اقتصادی مملکت وضع و اجرا شود يك اشخاصی هم برطبق آن قانون تعهد بودند يك تکالیفی را انجام بدهند و از این قانون مستفاد میشود که اگر يك کسی تعهد فروش اسرار کرده باشد با استفاده از صادرات و یا از جهت ندادن اسرار تعقیب شده است حالا باید معاف شود؟ (یکی از نمایندگان - تأخیرش آقا) این هیچ نتیجه ندارد اجازه بدهید آقا مناسبت تأخیر و آثاری که از تأخیر ناشی شده است معاف بشود یا از تعهد؟ (عده از نمایندگان - از تأخیر آقا) توجه بفرمائید آقا از تأخیر هم باشد هیچ معنی ندارد که به آن تأخیر هم آثاری مترتب نشود دیگر معافیت اصلاً برای چه؟ در هر صورت باید يك توجهی در این خصوص بشود بعلاوه بنده نفهمیدم اگر يك کسی عمداً در يك امر حیاتی تعهدی را که در مقابل مملکت کرده انجام نکرده باشد بياك سوء نیتی داشته باشد چرا نباید مجازات بشود و چرا باید معاف بشود؟ این را هم توجه بفرمائید.

**رئیس کل تجارت** - عرض میشود که اغلب اتفاق افتاده است که تجار تعهدات خودشان را انجام داده اند و قهراً در ظرف مدتی که تعهد کرده اند نتوانسته اند انجام بدهند ده روز پنج روز يك هفته تأخیر شده و مشمول قانون شده اند ولی اینکه سوء نیتی داشته باشد این معلوم نیست مشکلات زیادی بوده است در کار و این اشخاص نتوانسته اند تعهدات قانونی خودشان را انجام بدهند بنابر این اگر موافقت بفرمائید بمنظور بگذرد بهر است برای اینکه قسم و سوء نیتی نداشته است (صحیح است)

رئیس - آقای کاشف

**کاشف** - بنده اولاً کاملاً موافقت دارم با این طرزى که پیشنهاد شده است الا اینکه کابیه از تعقیب جزایی بنده پیشنهاد میکنم قبول بفرمائید که اساساً معاف باشند برای اینکه معاق کرده است بيك تاریخ معینی ولی وقتی که اصولاً مقررات اسماری بموجب ماده اول از بین رفت (عده از نمایندگان - آقا از بین رفته است) بالاخره اجازه بفرمائید آقا اینها يك تأخیری کرده اند خود آقا هم بهر از همه می دانند قسمت اعظم از این تأخیر به چوجه من الوجوه نصیر تاجر بوده است بالاخره میبایستی يك استادی را از یکی از ادارات دولتی تحصیل کند و بمحکمه ارائه بدهد و نتوانسته است با مشکلات دیگری برایشان پیش آمده و اینطور شده است بنابر این بنده موافق هستم با اینکه کابیه معاف باشند چون ملاحظه بفرمائید بالاترین سندی که تاجر میدهد اسناد تجارتي است از قبیل برات و چك و اینها و بالاخره در این موارد هم مجازات او این است که آن تعهد خودش را باید انجام بدهد اگر تأخیر کرد آن وجه را بدهد یا تنزیلش در محض دیگر مجازات و حبس و اینها بعقیده بنده جز اینکه در قسمت صادرات اسباب زحمت میشود نتیجه دیگری ندارد و بنده تنها میکنم این قسمت را کابیه از تعقیب جزایی معاف بفرمائید.

**رئیس کل تجارت** - اینکه آقای کاشف در اینجا فرمودند راجع بقسمت حبس تاجر در قانون محضار تجارت هیچ مقرراتی نیست عرض میشود مجازاتی که هست راجع بجرمه است و بالاخره آن قسمتهایی هم که انجام داده اند ولی تأخیر کرده اند که با این قانون دیگر تعقیب نخواهد شد ولی اگر شما میخواهید که دولت را مجاز کنید که مقرراتی وضع کند مقررات اسماری اگر چنانچه دولت با این اختیاری که مجلس داده است اصولاً مقررات اسماری را از بین ببرد و مقتضی ندید دیگر مقررات جدیدی وضع کند که دیگر آن مقصود شما حاصل است ولی اگر باز مقتضی شد يك قسمت با تمام را بيك صورت دیگری وضع کند آنوقت يك مانع بونی می خواهد آقا

(صحیح است) پس خواست موافقت بفرمائید؟ بنده نزدیک ذیل بگذرد عجله این نسبت بگذشته است و نسبت به آنچه هم که هنوز معلوم نیست که چه میشود.

رئیس - آقای افسر

**افسر** - بنده توضیحات کافی در ضمن مذاکرات شنیدم دیگر عرضی ندارم

رئیس - آقای دیبا

**طه اباپای دیبا** - اصلاحی که آقای رئیس تجارت راجع به تعقیب جزایی فرمودند که در هر مرحله باشد بعقیده بنده این اصولاً جایز نیست مثلاً فرض بفرمائید يك کسی آمده و در محکمه بدایت محکوم شده است حالا رفته است در استیناف آنوقت حقیقتاً مداخله قوه مقننه است در قوه قضائیه مجلس اثرات حکم عدلیه را نمیتواند از بین ببرد (بعضی از نمایندگان - آقا مداخله نیست) اجازه بدهید بنده عرض میکنم این بینه مثل این است که يك کسی محکوم شده است در عدلیه و مجلس باید رأی بدهد که این شخص نباید مجازات شود (اینگور نیست آقا) بنده عقیده ام این است که این هیچ ممکن نیست و مداخله قوه مقننه است در قوه قضائیه اگر کسی محکوم شده است باید محکمه مافوق بگوید مجازات ندارد نه اینکه مجلس از حالا رأی بدهد و حکم عدلیه را حقیقتاً بلااثر بکند (دشتی - اینطور نیست آقا، مداخله نیست) اصولاً بنده تقاضای این است که این مشکل هست (دشتی - ایداً صحیح نیست آقا)

رئیس - آقای افسر

**افسر** - ملاحظه بفرمائید که این از دعوی خصوصی و شخصی نیست آقا که شما می فرمائید دولت آمده است پیشنهاد کرده مجلس هم قانونی وضع کرده است و بدولت اجازه داده است که این کار را بکند و يك کار عمومی است (دیبا - فرق نمی کند) اجازه بدهید مثلاً خود بنده اگر يك کسی را محکوم کردم در محکمه ابتدائی اگر در استیناف صرف نظر کردم این اشکالی دارد؟ (عده از نمایندگان - خیر صحیح است) این مداخله در قوه قضائیه است؟ (خنده نمایندگان) مداخله در امور عدلیه است؟ که نیست. پس باین ترتیب همه

آنها هم که صرف نظر می کنند همه مداخله در امور قضائی می کنند؟ (خنده نمایندگان) در صورتی که قوه مقننه هزار جور قانون وضع می کند این هم یکی از آن قوانین دیگر مداخله نیست (صحیح است) بعلاوه این قضیه هم نظائر خیلی دارد ملاحظه بفرمائید در قانون قاچاق که آقای وزیر مالیه آوردند نظیر این است و در هر مرحله که هست دولت تجدید نظر می کند و میتواند صرف نظر بکند بهر حال این چون برطبق قانون است هیچ اشکالی ندارد مداخله هم نیست (صحیح است) و بنظر بنده یکی از اصول مسلمه و عادی است (صحیح است) و نمیدانم چه شکالی داشت که ایشان فرمودند مداخله است.

رئیس - آقایانیکه با ماده دوم موافقت دارند قیام فرمائید (اغاب برخاستند) تصویب شد. ماده - دوم قرائت می شود: ماده - دوم - اداره کل تجارت مجاز است با تصویب هیئت دولت:

اولاً - جوازهای ورودی را که در ظرف مدت جواز یعنی که از حیثه اختیار صاحب جواز خارج بوده است و تا این تاریخ مورد استفاده واقع نشده باشد تمدید دهد مشروط بر اینکه مجموع مدت جواز از يك سال تجاوز نماید.

ثانیاً - در مقابل تصدیق صدور انواع خاصی از محصولات و مصنوعات ایران برای اجناسی که در کنتراول سالانه منظور نشده و در داخله مملکت هم بمقدار کافی تهیه نمی شود جواز ورود بدهد. مشروط بر اینکه اجناس مزبور تحت نظر اداره کل تجارت وارد شده و در حدود مقررات قانون جلوگیری از قاچاق اجناس ممنوع ورود فقط در مرکز فروش دولتی بتوز خرید و فروشی فروخته شود.

رئیس - آقای دکتر طاهری

**دکتر طاهری** - البته معناد این ماده که راجع به تهیابی است برای تجاری که موفق نشده اند در موقع مقرر با داشتن جواز و تصدیق مدوری که خریده اند جنس را وارد کنند يك از وقتی بشود بنده کاملاً موافق و خیلی



هم موقع است ولی اینکه نوشته اند مشروط بر اینکه مدت جواز از یکسال تجاوز نکند چون بنده نظرم نبود که حالا مدت جواز چند است (حاج امین اصفهانی - ۸ ماه است) خیال می کنم يك سال باشد آیا این جا رعایت این را کرده اند که این ارفاق نسبت بهه بشود همه مشمول این ارفاق بشوند یا نه؟ حالا اگر بماند است که بواسطه يك منظوری که خارج از حیطه اختیار صاحب جواز بوده است توانسته است از جوازش استفاده کند آیا این قید که شرط می شود پیش از يك سال باشد لزومی دارد؟ حالا اگر ۱۳ ماه شد چه می شود؟ چه تفاوتی می کند همان فاسفه که موجب این ارفاق شده است در این قسمت هم هست این يك عرض بود. عرض دیگرم این است که قسمت اخیر این ماده این است که حالا بنده بدست ندمم ماده را ولی مفادش این است که اجناسی که فعلاً ممنوع است مقصود این است که در صورتیکه تحصیلش بد جاخه اشکال داشته باشد اجازه بدهند باید از خارجه بنده این جا می خواهم استفاده از موقع بکنم که این البته بطور عموم برای عموم است بامرای مخصوص است. یعنی اشخاص یا مؤسسات همین و خصوصی دولت اجازه میدهد؟ چون بنده می خواهم استفاده از موقع بکنم که این عرض را بکنم که بنده قانون انحصار تجارت هیچ شك و شبهه در قیادش نیست (صحیح است) حالا اگر بنا باشد این جا انحصار در انحصار داده بشود این يك کار مفیدی نیست فقط فایده اش اشخاص یا به مؤسسات خصوصی میرسد دست سایر تجار را می بندد و بنده مخالف این هستم که دولت از این اختیار عمومی که میگیرد برای انحصار تجارت این حق را داشته باشد که اشخاص همین یا به مؤسسات مخصوص انحصار و اختصاص بدهد این بد است و این طور نباید استفاده از این قانون بشود و اصولاً خوب نیست و بد است و بنده متقدم که ضرر دارد اگر بخواهد دولت این کار را بکند. چنانچه ماده وقتی بخواهد از این کارها بکند قانونش را باید بیاورد و مجلس نباید که از يك اعتمادی که مجلس بدو داده و يك اختیاری که پیش داده است برود و يك قراردادی

ببندد برای مدت سی سال چهار سال و مملکت را برای يك مدت مدهدی گرفتار بکند و بد هم بگوید که دولت اختیار داشت این کار را بکند و قراردادی با فلان که پانی ببندد و نایست سال سی سال بنده بکنند مملکت را. قانون انحصار تجارت شاید سه سال دیگر لغو شد ولی این قرارداد که لغو نمی شود برای اینکه دولت نشسته است و قرارداد بسته است پس بنظر بنده دولت باید رعایت این نسبتها را بکند که اگر چنانچه اختیاراتی مجلس بهش میدهد که تمام شئون مملکت، مال مردم معاملات بد دست او باشد طوری این را بچری کند که تخصیص به بعضی دودن بعضی نداشته باشد فلان مال التجاره را بدهند دست فلان که پانی بد صورتیکه هزاران اشخاص بنوامد از آن استفاده بکنند چه نایست؟ این است که بنده عقیده ام این است که باید طوری باشد که دولت یعنی اداره کل تجارت تخصیص ندهد به يك اشخاص یعنی بعضی بکنند که به يك اشخاص اجازه بدهد و به يك اشخاص ندهد

**رئیس کل تجارت -** در قسمت اول راجع بنده مدت جواز به موجب مقرراتیکه قبلاً بود یکسال بود بعد هم به موجب قانون نوزدهم نیز مدت جواز حد اکثری هشت ماه شد و صلاح هم این بود که هشت ماه بدهد برای اینکه وارد کنندگان ممکن بود استفاده کنند یعنی جنس را دیر تر وارد کنند و جنس ورودی در هزینه بماند و اساساً این اجازه که خواسته شده است برای يك قسمت از تجار آذربایجان است و يك قسمت هم شاید تجار جای دیگر که نتوانسته اند در ظرف هشت ماه جنس وارد کنند و تصدیق صدور هم داشته اند و تمام بواسطه اینکه با شکالانی بر نخورده اند راهها خراب بوده است و منظور بر خورده اند و اینی داشته اند که نتوانسته اند جنس خودشان را برسانند بنابراین برای این قبیل تجار ما میخواهیم که با اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی مدهدی داده شود البته در صورتیکه ثابت شود که يك حق خاصی داشته و مورد داشته و مشکلی در پیش داشته اند باین جهت بطور کلی صلاح دیده شد که هشت ماه

باشد در قسمت دوم فعلاً منظور این است که شاید بعد يك نظر دیگری پیدا شود که در مقابل تصدیق صدور برنج کابلان و مازندران مخصوصاً (نه جاهای دیگر) جواز ورود بعضی اجناس ممنوعه داده شود و در عین حال برای جلوگیری از قاچاقش در بعضی جاها بطور خورده فروشی همین کاری که الان میشود میکنند یعنی در مغازه دولتی بفروشند و تنها در يك قسمتی به موجب قانون میخواهیم که اگر بعد هم لازم شد در موارد دیگر نیز همین بدهیم شاید هم يك اجناس دیگری پیدا شود مثل اینکه الان از سیستان هم تقاضا میکنند که راجع به گندم همین کار را بکنند یعنی غله از سیستان صادر کرد در مقابلش آن جنس را بیاورد و ممکن است يك مقداری غله از آنجا صادر شود پس اینطور کارها که اتفاق می افتد و تجربه هم شده است که گاهی مدهدی است برای اینکه وقتی که صادر شد این اجناس از بازارها بیرون میاید و نمی رسد و اینکه فرمودید که اگر نظر این است که به مؤسسات خاص یا به اشخاص یعنی جواز داده شود اولاً در این پیشنهاد همچو چیزی بوده و نخواهد بود در اینجا نوشته شده است که هر کس تصدیق صدور در دستش بود در مقابل اجناس خاصی را باو جواز بدهند مثلاً هر کس تصدیق صدور برنج بیاورد ما در مقابل جواز ورود کردوشین یا جواز مغزوبات بهش بدهیم و اختصاص به يك شخص یا يك موسساتی هم ندارد البته بعضی مؤسسات تواناییشان در صادر کردن بیشتر است بیشتر تصدیق صدور بیاورد بعضی کمتر است کمتر بیاورند.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است  
**کازرونی -** بنده مخالفم با کفایت مذاکرات. عرض میکنم در قسمت اخیر که دادن جواز است نسبت به بعضی اشیاء ممنوعه در مقابل بعضی اجناس که صادر میشود از قبیل برنج عقیده بنده این است که این عرضی که میکنم به صلاحیت دولت است حالا اگر اجازه بفرمائید که عرض کنم و اگر اجازه نمیدهید که هیچ (بعضی از

نمایندگان - بفرمائید) عرض میکنم که دولت در نظر دارد که اگر برنجی از محل همین از راه همین صادر شد در مقابلش مثلاً جواز کردوشین بدهد بنده در موارد دیگری خدمت آقای رئیس تجارت عرض کردم که شما خوبت قبلاً بفرستید بخارجه و يك تحقیقاتی بعمل بیاورید و به بنید این برنجی که خارج میکنند بکجا میبرند و بطور صرف میکنند اما بردش بمراقبت بنده گمان میکنم مورد نداشتن باشد بواسطه اینکه اینجا برنج زیاد دارد و خودش یکی از صادر کنندگان برنج است و به کلکته و رنگون و بر ما هم میبرند و یکی از آنجاها می است که برنجش برای تمام دنیا میرود يك قسمت از عربستان است که برنج ما را اصلاً نمیخرند بلکه از کلکته می خرید و آن يك برنجی است که اگر ما بدهند نمیستند لیکن آنها بر تمام برنجهای دنیا ترجیحش میدهند و اینکه بفرمائید که اگر کسی صادر کرد در مقابلش يك اجناس ممنوعه را ما بهش جواز بدهیم چنانچه غالباً برده و قریط شد و اساساً از بین رفت بطول اینکه يك قسمت تقیاتی بکنند و يك قسمت از روی حقیقت يك تصدیق صدور عالی بگیرند بنده عقیده ام این است که اصلاً صدور برنج ازین برود برای اینکه این باب ممنوع نشود و ما به يك فایده بسیار خوبی هم خواهیم برد برای اینکه مثلاً چادر یکی ۱۵ تومان ۱۶ تومان وارد این مملکت میشود با تمام عوارضش اگر ما به يك حد فوق العاده اعلائی هم برایش قائل شویم آن درجه اعلایش بیست تومان است این میآورد و شصت تومان میفروشد و نتیجه باشد اصل خرید دوازده تومان باشد و هشتاد تومان بخارج بهش تعلق بگیرد در مقابل این دوازده تومان عین برنج را اگر دور هم بریزد باز برایش فایده دارد پس بگوید برنج را بیاورند و به فقرا بمانی بدهند آنوقت در مقابلش هم شما جواز چادر کردوشین بدهید و الا باین دلخوش نباشیم که جنس با این وضع از مملکت ما خارج شود اما دورش بریزد خیلی فایده اش بیشتر است اینست عقیده بنده.



رئیس - پیشنهادی از آقای وکیل رسیده است، فرائض می شود.

این بنده پیشنهاد میکنم که در ماده ۳ جمله فقط در محل فروش دولتی بطور خرده فروشی حذف شود و کپلی - نظر باینکه در این ماده نوشته شده است که بموجب مقررات اجناس ممنوعه بنابر این لزومی ندارد که در ماده قید شود ممکن است مغازه دولتی بعد از پنجروز بهم بخورد بعضی اجناس هست که وارد میکنند که احتیاج بخرد، فروشی ندارد از قبیل یرنج مس چلوار و بعضی چیزها که حقیقه ممنوع ورود است اگر اجازه دادند که وارد شود دیگر لازم نیست که يك محلی را در قانون بنویسند که در آنجا فروش برسد بنابر این بعقیده بنده توضیح دادن آن در قانون مصلحت نیست.

رئیس کل تجارت - آقای وکیل گویا نظرشان نیست که قانون اجناس ممنوع ورود سرچایش هست و تکلیف را کاملاً روشن کرده است و باین نظر که آقا میفرمایند اصلاً نباشد از قاچاق جلوگیری کرد و الان بموجب قانون معاملات اجناس ممنوعه در هر جایی ممنوع است مگر در مراکز دولتی که آن مهم‌ترین وسیله است برای جلوگیری از قاچاق و مخارج هنگفتی هم که در سرحد برای جلوگیری از قاچاق برای ما پیش می آید آقا هم از بین می رود و کک هست برای دولت و کپلی - بنده عرض می‌دارم.

رئیس - آنگاه که با ماده سوم موافقت دارند پیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده چهارم فرائض میشود. ماده چهارم - صاحبان اجناسی که در سوهیمة سالیانه ۱۳۱۹ منظور بوده ولی در مقابل تصدیق صدور غلّه جواز آن داده شده با قبلاً وارد ممالک گردیده است باید اجناس مزبور را که صورت آن از طرف اداره کل تجارت اعلام خواهد شد در ظرف یکماه پس از اعلان در هر محل بمراکز فروش دولتی تحویل نمایند تا مطابق

تذکر بدهم که عوض این کنفرانس اقتصادی که برای تاجر میدهند هفته يك شب هم بمأمورین خودشان درس بدهند که قصد و غرض دولت از این قوانین چه بوده است و اینکه این اجناس را بگیرد و میبرد در جای دیگر میگذارد برای اینست که بعد ها این جنس را بطور قاچاق وارد نکند و نفروشد همینقدر که تمام شده میبرد بی کارش اما قصد این نیست که اسباب زحمت مردم بشوند یعنی روز بروز روح اعتماد و اطمینان مردم را از دولت سلب بکنند (صحیح است)

رئیس کل تجارت - عرض میکنم که عقیده خود بنده هم این است که حتی المقدور قوانین طوری اجرا شود که برای مردم سخت نباشد و در این مورد بخصوص هم همین روجه اتخاذ شده است و خیلی ارفاقها و تسهیلات هم شده است و متأسفانه در ظرف مدتی که میبایست تحویل بدهند اغلب نداده اند معذک نظر باینکه يك قدری فرصت کم بود یا وقت کم بود ما مدارا کردیم و گفتیم که مجازند خرید و فروش بکنند و در ظرف ماه فروردین تحویل بدهند مطابق روح قانون ما میتوانستیم اصلاً از معامله آن ها جلوگیری کنیم برای اینکه قانون اجازه داده بود که تا آخر اسفند باید تمام شود ولی باز ما جنبه ارفاق را گرفتیم که خوب در ظرف این یکماه بایست تحویل بدهند ولی ندادند ما هم که نمی توانستیم در ظرف یکماه تحویل بگیریم پس يك مقداری تحویل گرفتیم بموجب اخطار و تریب و توبت آنوقت يك اشخاصی تانی کردند که فلان مقدار جنس را ما فلان کس فروختیم ما آمدیم این را رسیدگی کردیم آنهایی که واقفاً معامله شده بود کاری نداشتیم و مترض نیستیم ولی آن قسمتهایی که اساس نداشت البته موافقت نشده است و آنها را گرفتیم و در مراکز خودش گذاشتیم اما در قسمت مأمورین بعقیده بنده هم ممکن است که مأمورینی هم باشند که يك خسروتهایی هم کرده باشند البته اینها مصوم هم نیستند ولی روی حرفه نظر سولی اصولاً در کار نبوده و نسبت به تاجر و دارندگان اشیاء ممنوعه هیچ نظر سولی اعمال نکردند.

و این فکرها هم اول تولید شده بود نه بعضی ها ولی حالا دیگر خیال میکنم که اگر با خود آقایان هم صحبت کنید همشان واضی باشند چیزی که سابقه نداشته است در مملکت اول شاید اینطور که میفرمایند بوده ولی حالا دیگر اینطور نیست (صحیح است) و دولت هم مراقبت نموده است و خرده خرده آنها را هم واضی کرده است و باین وضیت آشنا شده اند.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است  
رئیس - پیشنهادی از آقای کاشف رسیده است فرائض می شود.

عراقی - بنده مخالف با کفایت مذاکرات - موقع اجازه که منتهی نمی‌روست اجازه هم که خواسته میشود آقایان میفرمایند مذاکرات کافی شده است  
رئیس - بفرمائید.

عراقی - دیگر عرضی ندارم.  
پیشنهاد آقای کاشف

بنده پیشنهاد میکنم بجای یکماه دو ماه مقرر گردد. کاشف - عرض میکنم که آقای عراقی فرمودند منتهیها اجازه هارا نمیتوانستند بشهادت آقای رئیس اسم آقایان در اینجا نوشته شده منتها مذاکرات در ماده کافی شد. راجع باین پیشنهادی که بنده عرض کردم خود آقای یاسائی میفرمودند مخصوصاً در قسمت ولایات در قسمت جمع آوری در ظرف یکماه مشکل است کما اینکه در قسمت فروش اشیاء ممنوعه دچار زحمت شدند و اشتباه میکردند هم مأمورین دولت و هم تاجر خیلی از تاجر تمیذالستند که چه اجناس ممنوع است متشخص هم اغلب اجناس مردم را بر میداشتند میبردند بمغازه دولتی بعد از دو سه روز معلوم میشد که این جزو اجناس ممنوعه نیست و بر میگردد بنابر این بنده پیشنهاد کردم برای اینکه این قسمت عملی شود دو ماه مهتر است.

رئیس کل تجارت - بنده هم مخالف نیستم چون مدت خیلی زیاد نیست موافقت میکنم  
رئیس - رای میگیریم ماده چهارم با اصلاح پیشنهادی



آقای کاشف آفتابیکه موافقت دارند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. مذاکره در کلمات نالی است.

آقای اعتبار

اعتبار - بنده موافقم

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - بنده مطلبی را در ماده میخواستم تذکره بدهم که موقعش گذشت حالا در شور کلیات عرض میکنم آقای دشتی میفرمایند غالب این مأمورین مثل شمر تزیه هستند بنده عرض میکنم بد فر هستند برای اینکه شمر تزیه هر چه باشد مصنوعی است ولی اینها شمر واقعی هستند (خنده نمایندگان) حقیقه بعضی از اینها يك حرکات خیلی نامناسبی میکنند در یکی از مفازها که بنده اطلاع دارم با اینکه جنس در جعبه آئینه بوده و خیلی سهل میشده است بر دارد و به بینند زده اند چوبه آئینه را شکسته اند و بر داشته اند که به بینند ممنوع است با نیست در يك مفازه دیگری رفته اند کیف را به بینند چرمی است یا غیر چرمی مفتش کیف را پاره کرده است که به بینند چرمی است یا غیر چرمی آخر مفتش حق ندارد اینطور بکند در صورتیکه باید مثل چند نفر خریدار بروند و به بینند که جنس ممنوع دارد یا ندارد بعلاوه بعد از آن قانون وقتس که مدت گذشت دیگر نمی توانند در معرض فروش بگذارند و بعد هم وقتی که مورد سوء ظننش شد نازه باید ببرند اداره دیگر حق اینکه شیشه را بشکنند یا جنس را پاره کنند ندارد این است که بنده از آقای رئیس تجارت خواست میکنم که با این اشخاص را تغییر بدهند با يك فشاراتی بکنند که این رفتارشان را نسبت مردم و کسبه موقوف کنند (صحیح است)

رئیس کل تجارت - موضوعی را که آقای فهیمی فرمودند قبلاً هم فرموده بودند مطابق تحقیقاتی که بنده کردم معلوم شد آن صاحب مفازه بر خلاف حرفی که

که همیشه میداده اند راجع به تعادل صادرات و واردات آیا این مفرون بحقیقت هست یا خیر؟

رئیس کل تجارت - عرض میشود راجع صادرات قالی در سال اقتصادی ۱۳۱۱ هجری بمطووریکه بنظر مبارك رسیده است منجاوز از ۱۹ میلیون تومان یا صد و نود میلیون ریال است و از حیث تقسیم این بممالک مختلفه شاید در حدود هفت میلیون تومان یا کمی بیشتر در ممالک انزونی مصرف شده است و گمرک کرده اند حالا که آنها گفته اند ۳ میلیون دلار که دلار را سه تومان حساب کنید همان ۹ میلیون تومان میشود برای اینکه حسابهایی که آنها میشود با احصائیه مملکت ما غالباً درست در نمی آید برای اینکه آنها بحساب خودشان میکنند و ما این حساب را قبول نداریم مثلاً اگر احصائیه آلمان را بگیری می بینید که مبالغ زیادی صادرات ایران به آلمان بیش از صادرات آلمان است بایران برای اینکه هامبورگ يك بندر آزادی است که مال التجاره های دنیا می رود در آنجا می رود بممالک اسکانندیناوی و اطریش و بجایهای دیگر همه مرکز خریدشان بندر هامبورگ است از حیث خرید و فروش قالی بنا بر این احصائیه آنجا نشان میدهد که يك مبلغ زیادی صادر شده است به هامبورگ این دلیل بر این نیست که در آلمان تمام آن جنس مصرف شده است و در احصائیه هامبورگ هم ممکن است يك رقم بیشتری نوشته شده باشد آنچه هست بنظر من می آید در حدود هفت میلیون است اما بعد از آن مصر می رود باطریش و سویس و کسی بفراشه و به آلمان می رود و اغلب ممالک بالکان می رود و هندوستان هم می رود حالا بعضی جاها هستند مثل ممالک شرقی که در آنجا قلیچه بیشتر طرفدار دارد و در ممالک انزونی و آلمان قالیهای بزرگ بطول و عرض معین و رنگ معینی خریدار دارد در هر صورت اینکه ملاحظه فرمودید صحیح است اما اینکه فرمودید اطمینان هست از اینکه تعادلی حاصل شود بین صادرات و واردات عرض میکنم اطمینان بقاعدل صادرات و واردات را وقتی میشود حاصل کرد

که بالاس اسعاری ما بعمل بیاید اگر اسعار حاصله از صادرات ما بکفتری بالان بود یا در حدود اسعاری بود که ما به صرف واردات می رسیم که البته تعادل دارد و اگر اینطور نبود یعنی عرضه اسعار در این مملکت کمتر از تقاضا بود معلوم میشود تعادلی بین صادرات و واردات نیست برای اینکه تقویم گمرکی خیلی مناسبت نیست چون فروش در بازار خارجه را ما نمیتوانیم کنترول کنیم و همچنین فروش اجناس را در داخله چون موقع فروش تفاوتهایی میکند در مقدار قیمت جنس ورودی و صدوری ولی اساس پرداخت و دریافت وجه حاصله از خرید و فروش است از این جهت باید باسعار نگاه کرد و تا حالا هم وضعیت اسعاری ما خیلی خوب بوده اگر چه بکفتمت مربوط بقدم صادرات بر واردات بوده است ولی وضعیت کنونی ما طوری است که وضعیت اسعاری ما خوب است و خود همین دلیل است که تعادل (تحقیقاً که نمی شود گفت) ولی تقریباً حاصل شده است آنوقت در آئینه اگر صادرات بیشتری داشتیم میتوانیم ماشین آلات بخریم در مقابل این صادرات و اگر هم کم شد که وارداتمان را همان نسبت کم می کنیم.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - آفتابیکه با مجموع قانون موافقت دارند قیام

فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد

[۳. مذاکره راجع به تبدیل موقع انعقاد جلسات مجلس]

رئیس - بنده حالا که میخواهم همین جلسه آینه را بکنم مواجه شدم با يك پیشنهادی که تقریباً یکمده کثیری امضا کرده اند که جلسه از این بعد عصر تشکیل شود. آقای احتشامزاده.

احتشامزاده - بلوریکه آقایان محترم تجربه فرموده اند

جلسات مجلس که طرف صبح تشکیل میشد اغلب تا یکساعت و نیم قبل از ظهر طول میکشید تا اکثریت حاصل شود و مجلس تشکیل شود و بلافاصله چون مصادف می شدیم با ظهر وقت ما محدود میشد و موقوف میشد و مجبور میشدیم کارها مان را ناتمام بگذاریم و بگذاریم



برای بعد ولی اگر جلساتمان را طرف عصر فرار بدهیم البته دنباله اش وسیع تر است و تا هر اندازه که کار داشته باشیم میتوانیم بنشینیم و وظایفی که بهمهده مان محول است انجام بدهیم از اینجهت آقایان این پیشنهاد را تقدیم داشتند و با تصویب این پیشنهاد ما بیشتر میتوانیم بوظایف خودمان قیام کنیم و انجام وظیفه کنیم بعضی از نمایندگان - رأی رأی

رئیس - بکنفر هم میبایستی از طرف مخالف صحبت کنند. آقای عراقی.

عراقی - عرض کنم که آقای احتشام زاده بیانی را که فرمودند يك قدری وافی بمفروضات بود برای اینکه مقصود آقا این بود که برای کار کردن چون وقت صبح کم است یکساعت و نیم بظهر مانده مجلس تشکیل میشود و با این حال وقت مفصلی نداریم که بتوانیم کارها مان را بجزایر بیندازیم. این دلیل را که آقا آوردند وافی بمفروضات بود مناسبانه باینکه بنده غالباً با غالب عقایدشان موافق هستم اینجا مخالف هستم علتش هم این است که عرض میکنم که ما باید گذشته از خودمان بگذریم هم از برای سایرین فکر میکنیم حضرت مستطاب عالی شاید صبح کارهای خودتان زیادتیر باشد ولی دیگران فکرش را بکنید مثل اعضای مجلس اینها از صبح باید بیایند اگر جلسات صبح بود غروب که شد میروند مثل مردم ازاد توی خانه شانس ولی وقتی که جلسات عصر باشد ممکن است تا سه از شب رفته چهار از شب رفته طول بکشد و این بدبختها باید مجبور باشند برای خاطر انعقاد جلسه مجلس نشسته باشند تا ساعت چهار از شب گذشته مثل امشب الان ساعت نه و نیم است (کازرونی - انجام وظیفه است) انجام وظیفه برای بنده و شماست آقا برای اینکه شما که برای اضافه کار بآنها حقوق نمیدهید فوق العاده که نمیدهید زیادی کار هم بهشان تحمیل میکنید اگر دیر هم کردند متفلسفان میکنند این بدبخت چه تصویری کرده است که بنده و آقا وسایر رقتا صبح را میگوئید شاید مزاجمان

خودشان را فرمودند موضوع حلای شد و تمام نمایندگان نظریاتشان را اظهار کردند و بالاخره آقای رئیس هم مطابق اصول پارلمانی تفسیر دادند و توافقی نظر پیدا شد و نسبت بیک لایحه با کمال دقت ما رأی دادیم این غیر از این است که ما در تحت تاثیر عوامل ظهر با کرما واقع شویم پس بنده بنام احترام مؤسسات پارلمانی بنام احترام تصمیمات مجلس بنام اینکه ما يك حقوقی میگیریم و کلای مجلس از اطراف آمده اند اینها هم دارای حقی هستند و باید هر نظری که دارند اظهار کنند این است که از آقایان محترم تقاضا میکنم موافقت فرمایند بالاخره از این جلسه بعد عصرها جلسه تشکیل شود بعضی از آقایان که خیال میکنند بعد از ظهر کرما برایشان شاق است که از شبران بیایند بشهر و بالاخره اگر مواجه باشکالائی شدند در مرتبه تغییر بدهند و صبحها جلسه را تشکیل بدهند ولی اجالا میبایست آقایان این را متذکر باشند که تمام آقایان حق دارند که در لوائح اظهار نظر کنند و مجال بدهند بکلای که برای احترام مجلس در لوائح بحث شود

رئیس - آقای ایباخان

امیر حسینخان ایباخان - عرض میکنم که بنده هر چه در فرمایشات آقایان فکر کردم بالاخره يك دلیل خیلی قوی منطقی ندیدم که بنده هم تسلیم شوم که مجلس عصرها تشکیل شود بالاخره آقای احتشامزاده فرمودند که خوست جلسه صبح نباشد عصر باشد دیگر منکی بدلیل نبود بالاخره دلیلشان این است که بیشتر میتوانیم کار کنیم نماینده محترم آقای رهنا هم يك فرمایشاتی کردند که خیلی مجلس را جلب نکرد که همه معتمد بشوند خوست جلسه عصر باشد و جلسات عصر ترجیح دارد بجلسات صبح. اما بنده عقیده دارم که بعضی دلایل هست و موجود است که ثابت میکند جلسات صبح از هر حیث بر جلسات عصر ترجیح دارد یکی این است که مالوایی که داریم و در اینجا مطرح میشود باید هیئت دولت حضور داشته باشند و عصرها همیشه مصادف میشود با موقع

جلسات هیئت و رزاه و دلیل های دیگری دارد که اساساً کار صبح بدرجات بهتر از کار عصر است دنیا هم این را تصدیق دارد بعلاوه با مقرراتی که امروز مجلس دارد که خیلی مقررات محکمی است که هر يك از آقایان در بیایند غایب بی اجازه محسوب میشود. اگر اوقات مجلس را آقای رئیس چهار به ظهر قرار بدهند که شما بیایید اینجا کار بکنید بنده بشما قول میدهم که هر کاری که از آن مهمتر نباشد و هر لایحه که از آن مفصلتر و زیادتیر باشد تا ظهر تا يك ساعت بعد از ظهر تمام میشود.

کازرونی - حسن اداره آقای رئیس دلیل بر خوبی صبح نیست.

ایباخان - پس دلایل بنده بعقیده خود بنده که طرفدار صبح هستم از دلایلی که آقایان طرفدار عصر دارند خیلی قوی تر است حالا صرف نظر میکنم از اینکه اعضای مجلس صبح مجبورند بیایند و کار بکنند که هیچ مجبورند تا چهار بعد از نصف شب هم بمانند و این قوانین را که ما تصویب میکنیم تصحیح کنند و کار را تمام کنند (کازرونی - پس جلسات مجلس محض اعضاء مجلس از میان برود) خیر آقا عدالت باید در کار باشد باید ما با همه خوش رفتاری کرده باشیم در هر صورت بنده معتقدم که جلسات صبح اگر داشته باشیم خیلی بهتر میتوانیم کار بکنیم و هیچ دلیلی ندارد که ما جلسات صبح را کنار بگذاریم. بعضی از نمایندگان - رأی رأی

رئیس - هفتاد نفر پیشنهاد کرده اند و شصت نفر هم می خواهند صحبت کنند بنده يك مسامحه هم کردم که بدو نفر موافق و مخالف اجازه داده شد آقایانیکه با جلسات عصر موافقت دارند قیام فرمایند (عده قلبی قیام نمودند) تصویب شد

[۴- موقع جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - جلسه آینده روز پنجشنبه پس فردا سه ساعت قبل از ظهر (مجلس نه ساعت و ربع بعد از ظهر ختم شد) رئیس مجلس شورای ملی - دادگر



# قانون

اصلاح قسمتی از مقررات قانون انحصار تجارت خارجی و اجازه وضع مقررات جدیدی در قسمت اعماری

## قانون مزبور

ماده اول - مجلس شورای ملی از تاریخ تصویب این قانون مقررات قانون انحصار تجارت خارجی راجع با اعمار خارجی مصوب ۱۹ تیر ماه ۱۳۱۱ را ملغی نموده و به هیئت دولت اجازه میدهد در صورتیکه مقتضی بداند مقررات جدیدی نسبت با اعمار خارجی وضع نموده و بطور آزمایش بموقع اجرا بگذارد و در ظرف مدت سه ماه آن مقررات را برای تصویب به مجلس شورای ملی پیشنهاد نماید.

ماده دوم - اشخاصی که در انجام تعهدات صدور با تعهدات فروش اعمار خارجی مربوط بقبل از ۱۹ تیر ماه ۱۳۱۱ تأخیر کرده اند از تعقیب جزائی در هر مرحله قضائی که باشد معافند.

ماده سوم - اداره کل تجارت مجاز است با تصویب هیئت دولت:

اول - جواز های ورودی را که در ظرف مدت جواز بملکی که از حیطه اعتبار صاحب جواز خارج بوده است تا این تاریخ مورد استفاده واقع نشده باشد تمدید دهد مشروط بر اینکه مجموع مدت جواز از یکسال تجاوز نماید ثانیاً - در مقابل تصدیق صدور انواع خاصی از محصولات و مصنوعات ایران برای اجناسی که در کانتینر ان سالیانه منظور شده و در داخله مملکت هم بمقدار کافی تهیه نمیشود جواز ورود بدهد مشروط بر اینکه اجناس مزبور تحت نظر اداره کل تجارت وارد شده و در حدود مقررات قانون جلوگیری از قاچاق اجناس ممنوع الورد فقط در مرکز فروش دولتی بطور خرده فروشی فروخته شود.

ماده چهارم - صاحبان اجناسی که در سهمیه سالیانه ۱۳۱۱ منظور نبوده ولی در مقابل تصدیق صدور غله جواز ورود آن داده شده یا قبلاً وارد مملکت گردیده است باید اجناس مزبور را که صورت آن از طرف اداره کل تجارت اعلان خواهد شد در ظرف دو ماه پس از اعلان در محل بهراکز فروش دولتی تحویل نمایند تا مطابق مقررات مربوط با اجناس ممنوع الورد بفروش برسد مقررات قانون جلوگیری از قاچاق اجناس ممنوع الورد شامل اینگونه اجناس نیز خواهد بود.

این قانون که ششمین مرتبه در چهار ماده است در جلسه نوزدهم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و دوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر